

باعث عقب‌نشینی فوری تر کمن‌ها شدند. موقعی که شاه سابق (محمدعلی شاه) خلع شد مردم کتول منزل حاکم خود (علی محمدخان مفاخرالملک) را که سردسته‌ی یکی از تیره‌های یموت بود و ثروت سرشاری فراهم ساخته بود غارت کردند و حاکم به دشت تر کمن فرار کرد و سه نفری که از جانب انجمن محلی استرآباد اعزام شده بودند که او را تشویق در مراجعت بشهر نمایند از عهده‌ی انجام منظور بر نیامدند ولی یکی از روزنامه‌های ایران در آن موقع نوشته بود که ملاقات این رسولان بی‌نتیجه نماند زیرا مفاخرالملک در همان شب وفات یافت.

میر سعدالله خان میرفندرسکی سالارمقتدر بدون شك بانفوذترین حاکم آن ناحیه و سرکرده‌ی ایالت استرآباد بود. همین که شنید لشکر ملیون بطهران وارد شده به آتابای فرار کرد و چندین ماه در آنجا ماند تا نسبت به جان خود امان بگیرد. ولی از شومی بخت خویش تصمیم به مراجعت بشهر گرفت و با اتهام طرفداری از شاه سابق بدستور کابینه جدید به مرکز اعزام گردید و در منزل اول مسافرت وفات کرد. در محافل رسمی مرگ او را ناشی از بی‌ترباکی شمردند. در صورتی که بعدها شایع شد که در نزدیکی گردنه‌های قزل‌قو او را خفه کردند در کاروانسرای رباط سفید جسدش را بخاک سپردند.

در تألیف کوچکی بقلم نصیرالکتاب در باب دشت گرگان متن نامۀ ذیل را خطاب از جانب احتشام‌الوزاره يك مأمور سابق دولت ایران در گنبد قابوس به حکومت مرکزی دیده‌ام: « شاید کسی حرف مرا باور نکند و این اظهاراتمم ممکن است درباره‌ی آنچه من در آینده خواهم گفت تولید تردید نماید، ولی باز وظیفه‌ام اینست که بدولت ایران اطلاع بدهم که یموت و گوکلان اتباع وفادار اعلیحضرت همایونی شاه هستند و همیشه حاضرند که در راه او خدمت نمایند. و اگر آنها شهرت بدی پیدا کرده‌اند علتش آنست که هیچوقت نماینده‌ای در دربار برای برطرف

ساختن سوء تفاهمات نداشتند. حکام و مأمورین دولتی برای نفع شخصی و ازدیاد شهرت خویش همواره چنین وانمود کرده‌اند، که بعضی قبایل تر کمن نسبت بدولت علناً رویه سر کشی دارند و دولت برای سرکوب اشرار فوری دستورات فرستاده‌است. چه بسا طوایف بیگناهی را دیده‌ام که به نهایت بی‌رحمی موردچپاول و غارت واقع شده‌اند و سران و ریش سفیدان بارها بمن گفته‌اند از تبعه روس شدن نفرت دارند، اما حاکم استرآباد آنها را به شورش و آوارگی می‌کند. و بهمین سبب اینطور وانمود می‌کنند که قبیله گوکلان سه سال از پرداخت باج استنکاف نموده و از فرمان دولت سر باز زده است. ولی آنها غالباً باین جانب گفته‌اند که به پرداخت مالیات‌ها حاضرند و قصد خلافی نسبت بدولت ایران ندارند.»

نصیرالکتاب باز مینویسد «تر کمن‌ها از ذکر دائمی اسم خدا و پیغمبر از جانب ایرانیان در شاهد گرفتن آنها بدرستی گفتار خود نفرت دارند. چون يك نفر تر کمن هیچوقت بخدا قسم نمی‌خورد و خیلی بندرت سوگندی یاد میکنند. حرمت و ستایش ایشان نسبت بخدا آنقدر زیاد است که غالباً حاضرند از ادعائی درباره‌مثلاً ده شتر یا صد گوسفند چشم ببوشند تا آن که بقید سوگند مالی را از آن خود سازند. همچنین فرد تر کمن هنگام حضور در محکمه راجع به نهب و قتل و غارت از بیان حقیقت هر چند که بر ضرر او باشد استنکاف ندارد. دشوار است که در سراسر ایران يك فرد مسلمان مؤمن پیدا کرد که چنین کاری بکند.»

سن ازدواج در میان تر کمن‌ها معمولاً ۱۵ یا ۱۶ سالگی برای پسران و ۹ یا ۱۰ سال برای دختران است. میزان ارزشی که قبیله جعفر بای بدختر میدهند در حدود سیصد تومان است که نیمی از آن نقد است و نصف دیگر حیوانات از قبیل اسب و شتر و گاو مییاشد. گاهی نیز باندازه وزن دختر نقره داده شده است. پس از انجام تشریفات عروسی، عروس دو سه روز باشوهر خود بسر میبرد. بعد به چادر

از سر کمن

پدرش بر میگردد تا تمام چیزهایی را که يك زن تر کمن باید بداند از قبیل : پارچه بافی ، دوختن و پختن غذا یاد بگیرد . پس از چند سال باز بخانه شوهرش میرود . هر گاه شوهر وفات کند به چادر پدر خود مراجعت می نماید . و اگر در این وضع و حال خواستگار تازه ای پیدا شود ، دیگر ارزش او سیصد تومان نیست بلکه ۶۰۰ تومان خواهد بود که باید به پدر پرداخته شود . زنی که دو بار شوهرش را ازدست داده باشد شاید حتی تا هزار و پانصد تومان عاید پدر خود سازد . ولی بدابحال مردی که زنش فوت کند و نتواند دوباره خرج عروسی بدهد . چون در نزد تر کمن هارسم بر اینست که مرد عزب باید دوشیزه خانه مانده را بگیرد و مرد بیوه ، زن بیوه را . چنین مردی را سالخ نامند . او فقط میتواند تفنگ خود را برداشته و بر اسبش (اگر داشته باشد) سوار شده بدسته های غارتگران ملحق گردد تا در آمدغارتگری او را به زناشویی جدید قادر سازد .

سرزمین یموت محدود است از سمت شمال به اترك ، از مغرب بدریای خزر از جنوب بدهات اترك استرآباد ، یعنی بلوکات سدن رستاق ، استرآباد رستاق ، کتول ، فندرسك و سنگر ، همه جا کنار جنگل علامت مرزی است و دشت پهناور ماوراء آن زیر تسلط تر کمن ها است و از طرف مشرق به هرهر و یاس تپه ( الیاس تپه ؟ ) و يك باریکه خاک بیطرفی که بین اقامتگاههای یموت و گو کلان واقع است .

اراضی حوالی گرگان بسیار حاصلخیز است اما زمین های جنوبی اترك بواسطه شوره زار بودن آن باوجود کود زیاد باز برای زراعت چندان مساعد نیست . در همه این نقاط آثار تمدن سابق و بعلاوه علامت آبیاری و زراعت دیده میشود . این ناحیه هر گاه از روی مهارت مورد استفاده قرار گیرد ، شاید از ثروت خیزترین نقاط ایران بشود . یموت ها به چمور و چاروا تقسیم میشوند . چمور یا کشاورزان قبیله مقر ثابتی دارند و چادرهای خود را بندرت و تا حدود معین انتقال میدهند . چاروا یا بادیه نشین ها

(چادر بدوشان) بنا بر فصول سال، محل چادرشان را تغییر میدهند تا برای گله واسب و شتر خود چراگاه پیدا کنند. چاروها چون در محل ثابتی توقف نمی کنند و غالباً دور از یکدیگر زیست می کنند. بیشتر روش استقلال دارند باج کمی می پردازند یا آنکه اصلاً چیزی نمیدهند. چادریموتها در مجاورت گرگان است. در زمستان به حدود جنگلها در فاصله ۸ میلی رودخانه میروند. چارواها معمولاً در طرف شمال در حدود اترک بسر میبرند و غالباً بخاک روسیه میروند ولی باز به گرگان و نواحی اترک بر میگردند تا محصولانشان را درو و در زیر زمینها انبار کنند.

غیر از جو و گندم که در زمین تر کمنها فراوان کاشته میشود، پشم و کمی هم تریاک محصول آن حدود است، فرش یموت را بیشتر چاروها یا بادیه نشینها می بافند. کلیم یا فرش دیگری بنام پلاس را زنان جعفربای و آتابای و داز می بافند. در کسب و تجارت درستی و صحت عمل تر کمنها در سراسر سواحل دریا بقدری معروف است، که آنها میتوانند اجناس زیاد بطور نسیه مثلاً در مشهد سر و بندر گراز تجار بخرند، بدون آنکه محتاج به تسلیم هیچگونه سندی باشند. تر کمنها همیشه سر موعد تعهدات خود را انجام میدهند.

عده یموتها تقریباً هفت هزار خانوار است، که یک سوم صحرانشیناند و بقیه اقامتگاه ثابت دارند. جعفربایها ملاح و ماهیکیر و تجار قبیلهاند و وضع و کارشان از همه بهتر است. بعد از آنها آتابای، داز و دوجی و ایلقی قرار دارند. پست تر از همه چارواهای بیابانی و سرکش و فقیر و تیرههای قانیخمز و ایگدر میباشند، که فقط معاش روزانه را در چادرهای خود موجود دارند تیره داز به افسانههایی اعتقاد و افتخار دارند که بموجب آن ایشان از یازماندگان خاندانی پادشاهی هستند. همسایگان آنها نیز ایشان را ارجمندترین تیره قبیله یموت می شمارند.

تر کمنها حکایت می کنند که مؤسس قبیله یموت دو زن داشت یکی زن

۱  
۱  
۱

مشروع که فرزندی آورد بنام شرف وزن دیگری که صیغه بود و دو پسر آورد یکی چون دیگری قجق . پدر هنگام احتضار یکی از دو اسب خود را به شرف بخشید و اسب دیگری را به دوتا نا برادری او داد . ولی چون از پذیرفتن اسب مشترك که نیم آن سهم قجق بود ، خود داری نمود . بنابراین دل شرف بر حال اوسوخت و او را پشت اسب خود سوار کرد . بدین ترتیب قجق با شرف پیوند یافت . یموت ها از فرزندان این سه پسرند از این جهت ادعا دارند ، که نسب اولاد شرف برتر از چونی است . سلاح که نه پیرام شلی و او کم منقسم میشوند ، حالا بیشتر در خاک روسیه پسر می برند ، جزو طایفه شرف بشمار میروند . زیرا نسبت نزدیک با قجق دارند . قبیله های یموت از حدود غربی به مشرق بترتیب ذیل مقیم هستند : جعفر بای ، اتابای ، ایلگی ، داز ، دوجی ، بکه ، بهلکه ، بدزاق ، ایمیر ، کوچک سلاح ، قجق ، قانیخمز و اگدیر .

محلات ذیل بعضی از اقامتگاههای دائمی یموت است ، که ذکری از آنها

نشده است :

۱- پست مرز مراوه تپه در ساحل جنوبی اترک در ۷۲ میلی شمال غربی بجنورد و بنا بر اطلاع اهل محل ۲۸ میل در مغرب پیرام الم .

ب- پست مرزی یاغی الم هشت میل در شمال غربی پیرام الم .

ج- چاتلی در هشت فرسنگی چکسار و ۳۲ میلی (هشت فرسخی) شمال غربی کنبند قابوس .

د- سنکر تپه در نزدیکی مصب اترک در ده میلی شمال شرقی تازه آباد .

ه- تازه آباد در ده میلی شمال گمش تپه که دارای هشت نه خانه است متعلق به ماهیکیران تر کمن .

و- قره سنکر در شمال کرد محله در دو میلی شمال قراصوه ( که گاهی سابقاً سوجوال نامیده میشد ) ، بین سنکر نیم مردان و ملا کیله .

ز- آلتین قخماق تقریباً در نیم فرسخی دریا و دو فرسخی انچلی .

ح- گورك سفید در دو میلی گمش تپه و دو میلی دریا .

روابط بین یموت‌ها و دهات انک معمولاً بهیچوجه دوستانه نیست . با این که میگویند چارواها مسئول بیشتر حملات و غارتگری‌ها می‌باشند ، ولی چمور اتابای و حتی جعفربای نیز غالباً در حمله و غارت دخالت دارند . دهاتی‌های کردمحل که ایل جعفربای تنها همسایه ایشان هستند باید پیوسته مراقب باشند و از حملات دشمن دیرین خود جلوگیری نمایند . روزی نمیگذرد که بدون خونریزی باشد و یا بمنظور قصاص و غارتگری حملاتی نشود .

کزارشهای مأمور دولت انگلیس ( وکیل الدوله ) ، از استراباد در ظرف شش سال مأموریت این جانب در رشت ، پیوسته حاکی از شرح و تفصیل قتل و غارت‌ها بوده است . برای مقابله در برابر این حملات بسیاری از دهاتیان انک هر ساله مقداری یرنج بیکی از رؤسای یموت میدهند . او در عوض برعهده میگیرد که از آنها حمایت کند . یا اگر از جانب یموت‌ها بآنها خسارتی متوجه شود جبران نماید . این ترتیب را ساخلو می‌نامند .

برای هر فرد ایرانی مسافرت تنها در دشت بین اترك و گرگان کاری خطرناک است . همچنین برای هر ترکی هم نزدیک شدن به شهر استراباد کاری پرخطر است . از کینه دیرینه شدیدی که بین ایرانیها و ترکمنها و یادر واقع میان پیروان حضرت علی و مریدان عمر وجود داشته ، بهیچوجه کاسته نشده است . باید در این مورد خاطر نشان کنم که سکنه استراباد پیش من اظهار میکردند که ترکمن‌ها را دهاتیان انک زیاد تحریک می‌کنند . این دهاتیها غالباً اسب و گله آنها را بسرقت می‌برند . حکام استراباد به بهانه فرستادن سر باز جهت سرکوب اشرار ، جریمه‌های سنگین براهالی قبیله تحمیل و بدین ترتیب جیب خود را پر می‌کنند .

برای دولت ایران رام کردن این ایالت کار دشواری نیست. زیرا تر کمن‌های فعلی خیلی بیشتر از پدران خود متمایل به کشت و کار و سکونت در محلی ثابت‌اند و با تبدیل کردن بسیاری از محلات چادری خود مانند گمش تپه، خواجه نفس، انچلی و باش یوزخه به اقامتگاه دائمی و با برقرار ساختن کلبه‌های چوبی و دکان، خود را بمراتب بیشتر از دورانی که فقط چادر نشین بودند و با مشاهده کمترین اثر خطر میتوانند بسوی شمال بحدود اترک نقل مکان نمایند، در معرض مجازات قرار داده‌اند.

قبیله گو کلان سرزمین محدودی را در مصب گرگان‌رود در اشغال دارند. منطقه آنها از یاس تپه در ساحل جنوبی رودخانه در مغرب تا سرچشمه گرگان‌رود در یلده چشمه (یلی چشمه) و دهنه گرگان‌رود در تنگران و یا تخمیناً از طول جغرافیائی ۵۵ تا ۵۶ درجه شرقی میباشد. نهرهایی که اراضی گو کلان را در جلگه گرگان مشروب میسازند، عبارتند از: آب حاجی‌لر، کچه قره شور که از قلعه کافه و دوزین جاری میشوند و آب باینل از وامنان و آب چتر بیگدلی از دهنه فارسیان و فیرنگ و آب عبه خلی خان از دهنه تنگران.

مردم گو کلان افرادی کشاورزند و در عادات خود مانند بادیه‌نشین‌ها نیستند. باروسیه تجارت گاو و گوسفند و پارچه ابریشمی دارند و درخت توت پرورش میدهند و کرم ابریشم‌تربیت می‌کنند. و قدری نیز تریاک میکارند و با استعمال آن نیز سخت معتادند و مانند تر کمن‌های دیگر ساعی و کاری نیستند. مصنوعات ایشان فقط نمذ و فرش‌های زبر و مقداری پارچه ابریشمی است. سرزمین ایشان بسیار حاصلخیز است و احتیاجی به آبیاری ندارد. ولی بواسطه کمی جمعیت فرسخ‌ها از اراضی ایشان عاطل و بی‌حاصل مانده است.

دسته گو کلان پیوسته از افراد یموت دره‌را سندن. ولی تیره خواجه چون اولاد

پیغمبرند و معصوم بشمار میروند هیچوقت از دست یموت دچار صدمه‌ای نمیشوند و بدون اسلحه بین قبیله‌ها رفت و آمد دارند. افراد طایفه گو کلان با کردهای بجنورد حاجی‌لر کبودجامه و سایر سکنه حدود شهر استرآباد میانه خوبی ندارند. تجاوز و حمله بمنظور قصاص و انتقام فراوان اتفاق میافتد. بار مالیات آنها سنگین نیست و عایدات را سر کرده‌ای که معمولاً یکی از حکام بلوکات استرآباد است می‌برد. عده گو کلان‌ها دوهزار خانوار است.

بنا بر روایت تر کمن‌ها گو کلان‌ها در موقع حمله مغول قای نامیده می‌شدند که مشتق از نام قای خان پسر گون خان پسر اغزخان پسر قراخان اولین خان مشرق است. در زمان پادشاهی سلاطین سیمجور آنها بسرزمین کنونی کوچانده شدند. بعد از ویران کردن مشهد مصریان و متفرق ساختن سکنه آن، بعضی از یموت‌های ایگدر و بهلکه در نزدیکی خرابه‌های آنجا رحل اقامت افکنده ناچار بودند که از آب باتلاق بیاشامند. زیرا که مسیر نهر اترک را در نزدیکی چات بوسیله سد بسیار محکم تغییر داده بودند. در ساختن این سد قیر و سرب زیاد بکار بردند. تر کمن‌ها در ضمن جد و جهد بیهوده‌ای که برای خراب کردن سد می‌نمودند مردی را دیدند که بر اسب لنگی به رنگی که در ایران کمبود (خاکستری) معروف است سواره می‌گذشت. این شخص ناشناس بآنها گفت که آتش فروزانی در پشت سد روشن کنند تا سرب و قیر آن آب شده بعد با نیزه‌های خود سنگ‌ها را تکان دهند تا آبها راهی پیدا کنند. سپس از برای درهم شکستن سد اشکالی نخواهد ماند. تر کمن‌ها این مرد را همواره به مفهوم «شخصی که بر اسب سوار بود» که مخفف آن می‌شود گو کلان کلی می‌خوانند.

۳۱ دسامبر ۱۸ میل - برای رفتن به گردنه جهان‌نما و رادکان از استرآباد حرکت کردیم از دامنه تپه‌ها راه خود را ادامه داده تا به سعدآباد رسیدیم، که يك ده ظاهرأ



آباد بود با ۲۰۰ خانوار جمعیت. بعد از نهر سعد آباد و چراگاههای کنار سراسر از تپه‌ای که گندل تپه نام داشت و در سمت راست ما بود بگذشتیم و داخل جنگلی عالی شدیم. پس از عبور از بستر عمیق و پر سنگ نهر آبلو و قدری بعد نیز از آب چاروا و نهر شصت کلا عبور کردیم. سر بالایی گردنه مزبور خیلی تند و پیچ و خم دار بود بعد مایک تخته سنگ موسوم به صندوقه یا کچیان رسیدیم که خطرناکترین قسمت راه بود. چون برف می‌بارید ناچار شب را در بیلاق جهان نما بسر بردیم که بز محل بسیار بلندی، در رأس گردنه واقع و دارای ۴۵ کلبه چوبی است و اهالی سعدآباد تابستان را در آنجا می‌روند.

اول زانویه ۱۹۱۰ چهارده میل- با کندی و احتیاط بسیار از میان دره پر برف جهان نما مسافرت خود را ادامه دادیم. پس از دوساعت از روی زمین های یخ بسته و بسیار لیز بسمت جلگه سرازیر شدیم، که منتهی به نهر مقسی شد که کمی از رباط مقسی دورتر است. می‌گفتند آن محل درهشت میلی جهان نما ۳۲ میلی شهر استرآباد است. رباط یا ایستگاه غارهای بزرگی داشت که برش زارهای کمر کوه کنده بودند و ۳۰ رأس اسب را میتوان در آن غارها جا داد. چاروادارهایی که بین چهارده «۱۱۲» و استرآباد رفت و آمد دارند در آنجا توقف می‌کنند. هنوز دیری نگذشته بود که به چمن ساور رسیدیم. آن چراگاه ممتازی به پهنای نیم فرسخ است که سکنه استرآباد ایام تابستان در آنجا در کلبه‌های کوچک سنگی یا در چادرها بسر می‌برند. پس از یک ساعت ونیم حرکت سواره از مقسی به کاروانسرای رادکان وارد شدیم. در رادکان يك برج استوانه‌ای آجری است که میل رادکان خوانده میشود و تقریباً ۴۰ یارد ارتفاع دارد با مناره‌ای مخروطی که محیط خارجی آن ۳۱ یارد و محیط داخلی یازده یارد ونیم و اندازه قطر درونی آن ۶ یارد و ربع است. این برج بر کمر کوه واقع و از مسافت خیلی دور نمایان است. کتیبه‌ای در محیط قسمت فوقانی و

کتیبه‌ای هم بر بالای در بوده که از بین برده‌اند و بقول سکنه این کار وحشیانه را کنسول سابق روس کرده بود. راجع به کتیبه بالای برج شرحی در کتاب همیردو هل<sup>۱</sup> بنام « مسافرت‌هایی در ترکیه و ایران »<sup>۲</sup> مسطور است که نشان میدهد آنجا قصر اسپهبد ابوجعفر محمد بن و ندرین باوند مورخ ربیع الثانی ۴۰۷ هجری بوده. کتیبه محیط فوقانی برج حاکی است که آن بنا در زمان فرمانروایی اسپهبد ابوجعفر ساخته شده و کار ساختمان در سال ۴۰۷ شروع و در (۴۱۱ هجری) خاتمه پذیرفت. کتیبه سومی مشعر بر اینست که ساختمان آن بنا در سال (۴۱۱ هجری) بدست احمد بن عمر با تمام رسید.<sup>۳</sup> برج دیگری در مغرب این بنا بوده که غیر از پایه‌ها اکنون چیزی از آن باقی نمانده است و آجرهایش در ساختمان تکیه رادکان بکاررفته است.

در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار بنظم رسیده است که نوشته بود « قصر دادقان » بین راه تمیشه و ساری واقع و بوسیله اسپهبد خورشید بنا شده است. این مطلب را می‌توان ناشی از اشتباه ناسخ کتاب دانست. چون وضع رادکان بطوری که ملاحظه شد با وضع دادقان تطبیق نمی‌کند مگر این که ما عبارت « راه کنار کوه » را به « بین راه » تبدیل سازیم. ده رادکان بر ارتفاعات مشرف بر رودخانه نکا در سمت راست جاده زیر درختان از نظر پنهان است. در آنجا مسجد خوب و تکیه‌ای هست که بدیع الزمان میرزا صاحب اختیار از فرزندان محمدقلی میرزا ملک‌آرا از نوادگان فتحعلی شاه برپا ساخته کوه‌های اطراف رادکان عبارتند از: مشکزار در شمال، زرشک خونی در جنوب، دیاریان در جنوب شرقی، زرشک چال در مشرق و خاکستر دله در مغرب. بنا بر اطلاعی که اهل محل داده‌اند رادکان در ۳۲ میلی استرآباد و ۱۶ میلی کرد محله

استرآباد (ساری)  
۱۱

۱- Voyages en Turquie et en Perse 1856-1860 — ۲ Hommaire de Hell —

۳- رجوع شود به کتاب Chuanasische Baudenkmäler تألیف ارنست دییز Ernst Diez چاپ برلین

و ۲۰ میلی گزو ۴ میلی بر کلا واقع است . مسافت از آنجا تا استرآباد را بشرح ذیل گفته اند : از استرآباد تا سعدآباد ۴ میل ، تا جهان نما ۱۴ میل ، جهان نما به رباط مقسی ۸ میل ، از آنجا تا رادکان ۶ میل ، که جمعاً میشود ۳۲ میل یا هشت فرسخ .

دوم زانویه ۲۰ میل - بعد از عزیمت از کاروانسرا از تپه ای که راهی دشوار داشت و به کوتل قلعه سر معروف بود بالا رفتیم در سر کوتل چند دیوار سنگی بنظر رسید که آثار دهکده سابق سر قلعه بود از نهر دره در نقطه ای که سابقاً دهی بهمین نام در آنجا بوده عبور کردیم . کاروانسرای بر کلا در پای تپه در سر راه از اشرف به رادکان دیده میشود . مزارع پر حاصل و جنگل و اراضی پر درخت در آن ناحیه وجود داشت . راه ما به کنداب منتهی شد و آن دهی بود دارای تقریباً سی یا چهل خانه و بیشتر سکنه آنجا زمستان را در دشت استرآباد بسر می برند . بعد چندین خانه خرابه معروف به بالابر کلا را مشاهده نمودیم . آنجا قریه ویرانه ای بود که سابقاً به بر کلا که از دهات هزار جریب بود ، تعلق داشته . از اینجا از راهی پر شیب بطرف لوسر رفتیم و آن نقطه ایست که محل تقسیم آب است . از قلعه گردنه ای که به بندر گزمیرسد جنگلی که در سمت شمال بسیار انبوه است شروع میشود . راه پایین گردنه واقعاً طاقت فرسا و پر از چاله و گل و آب بود . از این جهت اسبها ناچار از چاله به چاله دیگر ترسان و لرزان پیش میروند . ما از نقاطی بنام آبلو و میر شریف کولنگه عبور کردیم و از شیب بسیار تندى به دره پر درخت آور دره که نهر کوچکی از میان آن جاری است پایین رفتیم . میگفتند این دره میان رادکان و بندر گز است بعد به محلی که کوکورسر نام داشت رسیدیم . سپس به دیدوان رفتیم که چنان که از نامش هویدا است ، منظره عالی از جلگه اشرف و اتران و دشت تر کمن که در مسافت بسیار دور در سمت مشرق واقع است از آنجا دیده میشود . این جلگه پر از جنگل و دارای زمین مزروع پراکنده فراوان است که علامت نزدیک بودن آنها با دهاتی

است که کاملاً از نظر پنهان‌اند. در افراهمام درخت چنار عظیمی بوضع باشکوهی بر بالای تپه‌ای واقع است. اخیراً هیزم‌شکنی بانهایت بی‌رحمی قسمتی از تنه درخت و شاخه‌های آن را قطع کرده بود. بعد به چشمه شاه‌پسند و بقول مردم محل شوپسند و بعد نیز جلگه‌ای که در دومیلی گز واقع بود، آمدیم. جنگل را در اینجا بندبن می‌نامند. قدری دورتر از جاده شاه‌عباسی که از نوکنده به کرد محله میرفته است عبور کرده و دیری نگذشت که به گز وارد و بسمت بندر گز رهسپار و از آنجا روز بعد بعزم کرآز نودسک<sup>۱</sup> و باد کوبه سوار کشتی شدیم.

### ضمیمه اول<sup>۱</sup>

#### دهات و آبادیهای مازندران و استرآباد

الف - تنکابن. ب - کلارستاق. ج - کجور. د - دنور. ه - آمل و لاریجان.  
ز - سواد کوه. ح - مشهد سر. ط - بازرش. ی - فرح آباد. ک - ساری. ل - هزار  
جریب. م - اشرف. ن - انزان. س - سدن رستاق. ع - شاه کوه و ساور. ف -  
استرآباد. و رستاق. ص - کتول. ق - فندرسک. ر - کوهسار. ش - آبادیهای  
که شناخته نشده یا جای دیگری ذکر نشده است<sup>۱</sup>

#### تنکابن

(۱) بلده\* : بلده\*

(۲) گلیجان\* : آخوند محله، علی آباد، عموغلی محله (آقا مقیم محله)،  
برشی\*، بازار محله، بورامسر (برامسر)، چلوسر (چالاسی)، چناربن، فقیه محله،  
گراکوه (گراکو)، گلیجان\*، هرات بر (یک کالش نشین)، کرات کنی،  
کریم آباد، کرچی کوه (گرچی کوه)\* (ناحیه قدیمی کرچیان شاید نام خود را

۱ - نامهای دهات و آبادیهای این قسمت با فرهنگ جغرافیائی ارتش ج - ۲ مقایسه شده است و  
هرجا که تفاوتی بین آنها بوده است آنچه در فرهنگ جغرافیائی بوده در بین درکمان گذاشتیم. ضمناً خاطر نشان  
می‌کنیم که بعضی ازین اسامی در فرهنگ جغرافیائی ارتش نبود. (مترجم)  
۲ - نامهای آبادیهایی که با ستاره مشخص شده، در فردهای مالیاتی نیز آمده است.

از آن گرفته باشد) شاه یحیی حاکم تنکابن و برادر سلطان محمد لاهیجانی که در سال ۸۸۳ هـ. ۱۴۹۷ م. وفات یافته است در کرجیان در محلی بنام سیاسر مدفون گردیده. ظهیرالدین نام دشیه رود یاسیه رود و واچک را در کرجیان ذکر می کند. کش کوه، خلخال محله (خلخال محله)، تازه آباد، کو کلاویه، لشتو\*، لات کنار، لیماک\* با آسیابسر و کالش محله، مرزان کند\*، مازولنگه (مازلنگاسر)، میانرود، ملاحاجی محله، نسیه محله، رفیع آباد، کشتزارهای رزپت\*، رضامحله، رودبار کنار، شیررود\* (مشمعل بر چروسر، کرگروود، کلام سر، لپه سر، نیاسه و ششتاو چلکروود (چالکروود) شامل احمد سراوبسل کوه و لره سر، کلاویه بن، مازی کلام، میاندرج محله و نردی محله) صوفی محله، سلیمان آباد، واچک (که در سال ۸۲۳ هـ. ۱۴۲۰/۰ م. سید عبدالحی پسر نصیرالوین بن کمال الدین مرعشی در آنجا مدفون شده است)، زنگی شاه محله.

اشکور\* در فردهای مالیاتی کلیجان آمده است. بیلاقات اشکور عبارتند از آکنه و ایفی (افی به کسر اول)، کید (کیت)، کلاویه، لیج، میج، ندک (نداک)، نرنه (نازنه)، سوپرده (سپارده)، نمل (با فتح اول و دوم یا با ضم این دو)، یازین (یازن).

ظهیرالدین دهکده دیمرون را در کلیجان نام برده است.  
 (ج) لنگا\* بانضمام ناحیه جیربند\* و جوربند\*، عباس آباد، اردرود، اسپچین\*، ایوب، بااوج محله\* دارسرا، گلا کوه، گرداب، کیسا، حیدر آباد، کاظم کلا، خرابه بسر، کرد کلا، مشهدی سرا، مشکلا، محمد حسین آباد، پلنگ کلا، پرچور یا کورزیل، سرلنگا، سر تکوسرا، سیدمحله، شالکه، شال محله (شل محله)، شیر کلا، میج کلا، زیارت بر، بیلاقات لنگا عبارتند از باب رودبار، گزدره، گوئی گله، کله سرا، کلب، کوس کوه، مازیه چال، مازیه سر، نشکجان، رکاپشته یا

ریکا پشته ، سیچکانی ، تلیان ، ویره کردن .

( د ) نشاء\* ناحیه نشتا ، چکاده ، فقیه آباد ، هنگو ، اینرود\* ، کاظم کلا ، خشک بور ، لوله ده ، مکارود ، ماران ( مران ) کوه ، نشتایا نشتارودسر\* ، پلنگ آباد ، پله سرا ، پسنده ، بیشدار کوه ، قلعه ، رووار محله ، سین ، طالش محله ، توین ، ناحیه زوار\* ، آلو کلا ، حبیب آباد ، حسن آباد ، انتشار آباد ، عشرت آباد ، کت کلا ، کوتره ، مازوبن ، پلت کلا ، قلی آباد ، رودپشت ، سربرد ، طالش محله ، زوار .

( ه ) سختسر : آخوند محله ، دریا پشته ، فتوک\* ، هله کلا ، کنده سر ، کرکت محله ، لمتر ، لات محله ، لرزبن ، معاف\* ، منجله ، منشلک ، میان بند ، نارنج بن ، پرده سر ، پشت جوب ، رضی محله ، رمک\* یا کرمرود ، باسراب کرم و سلمرود سر ، رودخانه ، سادات محله ، شیخ الاسلامی\* ، شورا بشر ، طالش محله ، تنگ دره\* ، توین ، ترک رود ، نوسستان ( نوساسان ) ، اسکنه کوه\* ( اشکونه کوه ) ، زکین محله ، زیر مار کوه .

( و ) سرحد : که تقسیم شده است بین رودبارکی و کلارآباد ، اصغرآباد ( در محل دهکده توشکلا که بوسیله لشکر سعدالدوله در سال ( ۱۸۹۰ مسیحی ) هنگام شورش سید عالمگیر رئیس فرقه علی اللهی ها ویران گردید . چرزدانیال گرجی سرا گلور ، جمشیدآباد ، جیسا ، کلار آباد ، خواجکسر ، خوشامیان ، نارنج بندان ، پلت کلا ، سیستان ، تازه آباد ، تیل کنار ، تیلرود سر ، عثمان سرا ، ( ز ) سیاه رستاق : ( در ناحیه رانکوه در کیلان که جزء کیلان بشمار میرفته ، چون زیر فرمان سپهدار اعظم است که مالک آن حدود است ) بالا محله\* ، بی بالان\* ، دعوی سرا ، گزاف رود\* ، اصطخ بیچار\* ، کلمازی بن\* ، لات\* ، لیمنجو\* ، مایستان\* ، میرک محله\* ، پته یاپوده ، سارم ، شاه مراد محله\* ، سیاه رستاق بالا\* ، سیاه رستاق پایین\* ، تلابن ، تلم .

( ح ) توابع : عبدالله آباد ، اغوز کلا ، اکبر آباد ، اکوله سر ، آسیابسر ، کیله محله ، گلیج\* ، حبشه بر ، ( شامل آغوزدار کوتی یا آمین آباد ، برشه بر ، حبشه بر ، کره کوه یا امیر آباد ، شانه تراش ، تازه آباد ، یا نصر آباد ) حاجی محله ، حسن کلایه ، اصطلاح سر ، کاردگر محله ، کنار سر ( کنار رودخانه شهسوار ) ، خوبان رزگاه ، خرم آباد ، لشکرک با خرابه قلعه خندان ، مرزدشت\* ( شامل کبود کلایه\* ، کرف ، و شب خس کوتی ، مزرك ( مزرك ) ، مازوبن ، میر شمس الدین ، میان کوه ، میان محله ، میان سرا ، نظر آباد ، پس کلایه ، قوی حصارلو\* ، رودپشت ، سبزمیدان ، سلف ، سنگر مال ، سنکسرا ، شهسوار ، شیرج خیل ، شیرج محله ، شیر کرز ، شیروان محله ، سیاه ورزیاسادات محله و کهوز ، تیلپوردسر\* ، توشکون\* ، ولی آباد ، ولیمرز ، زمین کین .

صورت مالیاتی توابع شامل بیلاقات دوهزار است ، که بین دو هزار و سه هزار تقسیم میشود . دو هزار ، اغوزبن ، آقا سید قاسم ، غسل محله ، بلس ، برسه ، چاله کوه ، گلستان ، گلخانه سر ، هلودره ، اشکربن ، جزما که ابوالقاسم بن المؤید بالله در آنجا مدفون است ، کر کره چال ، کلیشم ، کوهستان ، لات ، مدرسه ، میان کوه ، نرس ، پیله دربن ، سردابه ، استوج ، ( اشتوج ) ، باغ دشت ، سه هزار ، آب گرم ، آرود ، دا کوه ، داریجان\* ، کاوور ( کاوور ) ، گلز رود ، خانیان ، ماران\* ، میان رود ، پیچه بن ، قادی محله ، سلمبر ، شهرستان ، سیر ، یج .

در سالنامه های قدیمی سه هزار ، سی هزار نوشته شده است . قصر سی هزار در سال ( ۹۱۶ هجری ) بوسیله سلطان احمد خان لاهیجانی تعمیر شد . این کاخ دوازده برج داشت و ساختمانش سه سال بطول انجامید . محلات ذیل نیز جزو دهات تنگابن بشمار آمده است : اغوزدار کلا ، الپره ، بالان ، بوردتان ، فلکده ، گلپشته ، کچکن ، کلانه اسپی ، لولی محله ، میان لک ، پرمز ، قلعه پشه ، راجو ، روحینه ،



سیاه‌بند ، سولك ، سوتك ، تكله ، تمیجانہ ، تاریك محلہ ، توسہ كلا ، توسہ كلام .  
در کتاب تاریخ فانی نام شهرستان تنکابن دیده میشود . ظہیرالدین قلعه کرمانس  
را محلی بین کرجیان و نمك آبرود ذکر نموده ناحیہ کوهستانی تنہجان شاید در  
تنکابن بوده است .

### کلارستاق

( الف ) بیرون بشم کہ کلارستاق بدو قسمت بیرون بشم و میان بشم تقسیم  
میشود . بیرون بشم ، اغوزداربن ، اسولت ، بابوده ، بنفشہ ، برار ، چنس ، گر کلا ،  
گرماوک ، ہرسی یا ہرس ، کلارک ، کوتیا ، خشک درہ ، مرزان آباد ، میچکر ،  
مرادچال ، رزان ، سیدآباد ، شهرستان ، شری ، سیر گاہ ، میان بشم ، دہ چارمسل-  
سنر ( سنار ) تودی .

( ب ) دشت ( دہستان قشلاق ) : عباس کلا ، آبرنگ ، علی آباد\* ، علی دراز ،  
ویجدان\* ، بازارسر ، درارکش ، دار کلا\* ، درزی دہ ، دیمو ، دیز گران ، کیلہ کلا ،  
گرامجان\* ، ہرہ کلا ، امامرود\* ، اسفن کلا ، کلنو ، کپر ، کتہ سر کلا\* ، کلاجان\* ،  
خراب ، کلمہ ، کردی چال ، لپاوک\* یا فرج آباد ، لر کم ، مرزان دہ . نجار کلا\* ،  
پای کلا ، پیشامبر ، رودبارک ، سما ، سردہ\* ، سرکا ، شگر کوه ، سیب دہ\* ، تب کلا ،  
تولی چال ، ترسو ، اوجابیت ، علوی کلا ، واحہ ، ولد ، ولی آباد ، ولول .

( ج ) کلاردشت\* : عباس آباد ، آہنگر کلا ، عایشہ بن ، اکبدار ؟ الف کلا ،  
عرب خیل ، بورسر\* ( در کنار نہر بورود ) ، دراز زمین ، دارموش کلا ، دوچمان ،  
دوسگر ، فقیہ آباد ، حسن کیف\* یا پایتخت ، ایزد\* ، کریم آباد ، کرک\* ( گرک پی ) ،  
لاہور\* مجل\* ، مکا\* ، مرسدہ ، میان دہ ، میان کی ، محمد آباد ( خرابہ است ) ، نمک  
آبرود ، نیس الوار ؟\* ( پیش الوار ) ، نودہک ، ناوردسر ، سلیم آباد ، توی درہ\* ،  
واجی ، زوات .

( د ) کوهستان\* غربی : بیجیو ( بیجیده نو ) ، دلیز ، فش کوه ، ایلت کوتل ، مرش ، نائر ، پلت کوه ، توار ، الامل\* ، الندا\* ، انگوران\* ، اویر ، دونا ، هر جان\* هزارچم ، هکا ، این\* ؟ جربنده ، کمر بن ، کندوان ، ( کاروانسرا ) ، مکارود ، ولی آباد ، کیا کلا نیز در کلارستاق است .

ظهیرالدین سمنگان را یکی از دهات چالوس می داند . بیلاق پیازچال بین دهکده ، دزان در طالقان و المیردر کلارستاق است . دمورنی فیروزآباد را جزو محال عمده کلارستاق نوشته است .

#### دهات کجور

( الف ) بلده\* و خورشید رستاق ( که ابن اسفندیار کورش برد ، کورش جرد ، کوشیزد و جورشجرد نوشته و ظهیرالدین قصبه خورشید را نام برده است . )  
 ( ب ) انگاس\* : انگاس ، انگیل ، بدیع خیل ، چمر کوه ، فرزن ( ورازان ) ، کنگر ، همارخیل ( هزارخال ) ( که در آنجا مقبره سید طاهر و سید محمد واقع است و بوسیله ملک کیومرث رستمدر ساخته شده و خود او هم در سال ۸۵۷ هجری در همانجا مدفون شده است ) خاچک ، کم چاک ، نیتل ، پی چلو صالحان\* ، ( که در آنجا مقبره سید محمد بن ابراهیم که مردی بسیار شفیق و خداشناس و باتقوی بود واقع است . مردم رویان که از ظلم و جور محمد بن اوس بتنگ آمده بودند ، نزد این سید رفتند و از او خواستار شدند که پیمان اطاعت ایشان را بپذیرد . وی آنها را نزد برادر زن خود حسن بن زید که بعدها فرمانروای مازندران شده فرستاد . مقبره این سید پرهیزکار بنام زیارتگاه آقا سید محمد کیا دبیر صالحانی مشهور گردید . ولی اهالی او را سلطان کیمدور مینامیدند ( شاه نجار ( شاه ناچر ) سرویده ( سر بود ) و شکن ( واشکن ) .

( ج ) بندیپی\* : بندیپی ، نجار ده ، نصر آباد .

- (د) چلندر\* : علی آباد ، علی آباد اصغر خانی یا تازه آباد ، امزی ده ، اناروار ، چلندر ، چالک ( چلك ) ، دزدك یا دزد که روی سر ، حوض کوتی ، ملکار ، سنگسرا .
- ( ه ) فیروز کلا\* علیا و علوی کلا\* و علم کلا ، فیروز کلاسفلی ، عزت ، کابولج ، لش کنار ، منوچهر کلا ، میانک ، میانشهر ، ملا کلا ، منول ( مندول ) ، پیمت ، علوی کلا ، وازوار ( وازك ) یاوزبه مال .
- (و) گران : علی آباد یا علی آباد بزرگ ، بینتاسی\* ، ده گری\* ، حبیب آباد یا خواچک ، هلوسان ( هلیستان ) ، حسن آباد ، حسین آباد ، خیرسر ، کولکسرا\* کر کرودسر\* ، مجید آباد ، موسی آباد ، نیرنگ\* پالوچ ده\* ، سعده ، سنگ تجن\* شریعت آباد ، شکری کلا\* ، تازه آباد .
- (ز) گچرسناق\* : المده ، بازیگر کلا ( بازیار کلا ) ، بلحکان ( بنچکول ) ، فلیمرز ، فلزی کلا ، حسن آباد ، هندومرز ، حسین آباد ، کچه رور یا کچه روی سر ، نوده ، سیاهرود زرین کلا .
- ( ح ) کالیج ( کالج )\* : بون ، دانکوه ، دجج ، کالج ، کاسه گرمحله ، کلنگ رود ، لزیز ، نشو ، پس برس ، قلعه سر ، سنگ نو ، تاچکی ، ترک ده ، تسکا بین راه از قصر نجو ( نشو ) تا کلار ، قلعه ولیج واقع بود .
- ( ط ) کلورودی\* ، خضرتیزه ، کهپیر ، نارنج بن ، پاشا کلا ، صلاح الدین کلا ، و نوش یا و نوش ده ( سابقاً بنفشه گون نام داشته است ) .
- ( ی ) خیررود کنار\* : آب بندانک ، اسپ سمده ، درزی کلا ، خیررود کنار . لتینگان ، مارگیرده ، مروردی ، سعادت آباد ، شب خس کج ( شبخوس کج ) ، شمع جاران ، سلطان علی کیا سلطان ، ( سید علی کیا ) .
- ( ک ) کوهپیر\* : ال دره ، آویل\* ، نامخال\* ، بالو\* ، چار\* چورن\* ، حیرت ، کنز کلا ، کوشک\* ، لاشک کنار ، نیمور ، پاننگ\* ، سمور\* ، ولسپ ، ویسر .

(ل) پنجک رستاق: بسطام، باندر، چتن، دشت نظیر، فیروزآباد (پایین کوه پلر)، حسن آباد، کیکو، منجیر، نیرس، سماء.

(م) رانوس رستاق: آستانکرد\*، دونگسی، کته پشت، کیل کلا\*، کندلوس بامیخ ساز وملا کلا، خوشل\*، کینج\*، کیا کلا، کوش، لکتر، لرگان\*، لورومینگ، ملا\*، نعل\*، نیچ کوه\*، پیده\*، ساس، ستوک، اوطاق سرا.

(ن) زند رستاق.

اسامی ذیل هم در نقشهٔ دموورگان دیده میشوند: امیرآباد، فرن آباد گلندرو، کرت کلا، لیکش (در رویان که نبرد شوم رستم و فرزندش سهراب در آنجا اتفاق افتاده) پایین سرا، سروی، سیاه سنگر، ونمه. ظهیرالدین ازآبندان کوه، خورت وارود و دهکدهٔ ولیگان سر راه از هزارخال به لاریج عبور نموده در سال (۸۶۷ هجری برابر با ۱۴۶۲/۳ مسیحی) از کیلان از کنار ساحل دریا به خورشید رستاق رفته و از طریق کنسانه بند بقصر کجور رسید. وی نام گاوزن کلاته را بین خیر رود و نمک آورد و دهکدهٔ امیر منکاس و قصر لورا که بوسیلهٔ اسمعیلیه بر بالای کوهی ساخته شده بود ذکر نموده. دموورنی صالح آباد را عمده ترین محل کجور نام برده است.

### دهات نور

(الف) بلده\*:

(ب) کمر رود، بردون، بتاهر کلا\*، کمر\*، کولیک\*، سرست\*.

(ج) کوپ\*، هلوپشته\*.

(د) میان بند\*، (میان رود سفلی): بلویج، درازده\*، کتابسر\* (کیابسر)

کتیا\*، خطیب کلا (لاریج کلا) مالیه کلا\*، میانرود\*، نورمک کلا\*، قله کش\*، سنگتاب\*، زرکیا\*، (زرک).

(ه) نارنج کوه\*: محال بندپی\*، گزن سرا، ایل\*، کتله کردن، کتول\* و

علوا\* ، کنگاله چال ، خداداد ، کوری\* ، لنگور ، نیچ ( نانیج ) ، رودبارک ، تیران کلا ، ( میانرود سفلی ) .

نام ایلات ذیل در صورتهای مالیاتی نانیج که بدون شك همان نیچ کوه است دیده میشود: آخی ناپلاز\* ، آخی پیدر\* ، انکتارودی\* ، برناجی\* ، دوز\* ، حداد\* ، حیدریه\* ، کلود\* ، کارد گرعلیشرود\* ، کورد ملایعقوب\* ، کردشاه رودبار\* ، لاریجی\* ، سیف زرگر\* ، سیاق علی آقا بابایگ\* ، صیقلی دوست . علی\* ، شاه حسین حیدردریا آبادی\* ، شیخ صیقل\* ، وازی\* ، بهشم\* .

( و ) نمارستاق\* : عبه المناف ، امره ، دار کنار ، کنا ( کبری ) نسل ، نمار ، پلوریه ، سه لر ، سجه محله ، شیخ محله ، سوا .

( ز ) نائل کنار\* : افراسیاب کلا\* و رونج کلا\* ( اوریج کلا ) ، انارجار\* ، دراسته\* ، دارجا\* ، گندیاب\* ، ازخورده\* ( ایزخورده ) ، جور کلا\* ، خاکسترخونی\* ، یاگلین خونی\* کیکه بن\* ، نائل\* و هر دورود\* ، شهر کلا\* و دون\* ، سولده\* و نیز عباسه ، دارکنندان ، خریه ، مردو ، سلیا کوتی .

( ح ) نائل رستاق\* : عباس کلا\* ، ایدالده\* ، عبدالله آباد ، آهو دشت ، اناده\* ، باغبان کلا\* ، چماستان\* ، ازده\* ( شامل بازار سر\* ، اولکا محله\* و ساروج محله\* ) کمال کلا\* ، کرات کتی\* کرک چسپان\* ، کرد آباد\* ، مرازنده\* ، مهدی سرا\* ، مغان ده\* ، نانوا کلا\* ، نیزوران\* ، نوده\* ، سالد\* ، سنگ چالک\* ، سنگینده\* ، سارلده\* ، سید کلا\* ، شیخ علی کلا\* ، سیاه کلا\* ، واتاشان ، یلایان\* ، عرب خیل ، فارسی کلا ، اسپی کلا ، جلیل کلا ، کردی کلا ، لر گه سری ، مرد بن کلا ، نعمت آباد ، نصف جان ، شهر کلا ، شالی کلا ، شهر بند ، شهرده ، سیره کلا .

( ط ) رودبار سفلی\* : علی آباد\* ، هشوا\* ، بوته ده\* ، دلیرگان\* ، فولاد کلا\* ، کیلان ده\* ، هرط ، کچل ده\* ، کچه گاه\* ، کیشا کلا\* و ساری\* ، مشکین دشت\* ، نی\* ،

سفیدارداشت\* ، ترمه زر\* تجانب کلا\* ، اوچکاده\* ، رودبار سفلی\* ، شامل تا کرو میناک و ظاهر آ سراسر حوزه علیای رودخانه نوری بود .

(ی) رودبار علیا (میانرود علیا) : چل یاچال\* ، دویلات\* ، مزید\* ، تا کر\* و لاشد ، زرد کمر و همچنین فیول اینا . ایوا کل ، نوج (نج) .

(ک) تته رستاق\* : آقا سید نیکه « آقا شیخ نیکه » (که مغروبه است) کرسی ، کیا کلا ، (که ظهیرالدین نامش را برده است) رزان ، رستم رود\* ، تته رستاق\* (تیرستاق) .

(ل) اوزرود\* : انکه رود\* ، گلبانگاه\* ، هجسی\* ، کم\* ، کلاک\* خجیر کلا\* میناک\* ، نیکنامده\* ، نسن\* ، نوهیا\* ، پیج ده\* ، پیل\* ، اورسوسی\* ، اوز کلا\* ، ولمه\* ، یاسل\* ، یوش\* .

ظهیرالدین کوه کنگل آب رجه را بین راه امیر منکس در کجور و میناک در رودبار علیا ذکر کرده است .

(م) دهستان یالرود\* ، خطیر\* ، کوشکک\* ، مرج\* ، میرا ، پلنگ دروازه ، ورزن\* ، یالو\* ، بین راه از قصر نور تا طالقان محلی بود بنام سیاه پیشه . در راه یک روزه یا در پنج فرسنگی مغرب آمل در جلگه ای نزدیک دریا شهر نائل واقع بود (که ظهیرالدین آنجا را پایتخت جلگه رستمدار بشمار آورده) و از آنجا باز پنج فرسنگ دیگر بسمت مغرب چالوس واقع بوده . لیثم دیلمی بر روی شمیرود که در شرق نائل جاری بود پلی ساخت بنام پل لیثم که در نزدیکی آن بکر بن عبد العزیز بن ابی دلف العجلی مدفون است و او بوسیله سید محمد بن زید در سال ۲۷۹ هجری ۳/۱۹۲ مسیحی بعنوان حاکم رویان و چالوس برگزیده شد و در موقع ورود به نائل با شربتی که باو دادند مسموم شد . نواحی اطراف نائل ، نائل رستاق خوانده میشد . در قسمت علیای دهکده خسروآباد که در عهد ظهیرالدین عدول ده نامیده میشد و به ناحیه نائل

رستاق تعلق داشت درخت بلوط بزرگی در نقطه‌ای بنام شاه مزی بن بود. در زیر این درخت بمدت ۱۲ سال افراسیاب چادر برافراشت تا وقتی که با منوچهر فرزند ایرج قرارداد صلح بست. نزدیک نائل دهکده‌ای بود باسم مندور و در همین محل دهکده دیگری بنام نکارستان بود که هر دو را ابن اسفندیار ذکر نموده است. ظهیرالدین نام تمیشان سر بر آورده که از جمله دهات مشرق کچه رودبار نزدیک مرز آمل و کمال کلانه که اقامتگاه خاندان شیرایه کیا بوده است.

وقتی که حکومت از دست خاندان المؤمنین بالله گرفته شد، اعقاب او در شیرایه کلانه اقامت گزیدند و در آنجا آنقدر ماندند تا سیدرکابزن جد گیاه سرپشورش بر داشت و تنکابن و قسمتی از دیلمستان بانضمام شیررود و دو هزار را گرفت.

فخرالدین بن قوام الدین مرعشی پس از فتح رستم‌دار و اتاشان را در نائل برای مقر خود برگزید و از ساری و رستم‌دار افرادی فراهم و خندق عمیقی دور شهر حفر کرد و اقامتگاه و حمامی برای خود و بازار و مسجدی جهت مردم ساخت.

در تاریخ خانی نام قلعه دوك که مخروبه بود و بوسیله آقارستم مازندرانی تعمیر شده ذکر شده است. این دوك شاید همان دون باشد که در نائل کنار است. در کتابها آمده است که قصر درنا نیز مقر مستحکم فرمانروایان نور بوده است.

### آمل

(الف) بلده\* : (ب) اهلیم\*، آهن محله\*، آزادمان\*، بونده\*، چرین ده\*، دار کلا\*، گالش پل، هریبی، جونی کاله، کرچک\*، کلاده، کلوده\*، خشت سر\*، خوردون کلا\*، کیلاپی، محمودآباد، میرعلمده، ملارم، ناموس ده، قلعه مرز، شرقتی\* و پرچین ده\*، شورستاق\*، سیار کلا\*، سوراخ مازو\*، تلیکسه سر\*، ترسیاب\*، تجنک\*، تواننده\*، (بولیده)، یوسف آباد.

(ج) چلاب\* : بنقه، چمه بن\*، دوران سر\*، جانگدار محله\*، کلوبند\* و لوبا\*،

کندآباد\*، کنگرج محله\*، و اسپوردشت\*، لهاش\*، میله\* و شهنه کلا\* میانرود\*،  
نمهلو پارادیمه (پاریمه)\*، پرسب (ایستگاهی است بر کنار جاده) پاشا کلا\*، تیاف  
(تیار) تیار؟ اوجا کلا\*.

(د) دابو: آهنگر کلا\* و کبود کلا\*، اسکار کلا\*، بانصر کلا\*، باریک\* -  
محله\*، بینمد\*، دیفری\*، دهسرا\*، دیمه (دیه)، دیو کلا\*، دونج کلا\*، فریکنار\*،  
فریمون\*، گامیش بنه\*، گیل کلا\*، حاجی کلا\* هشتادیل\*، هودکان\*، اسپاهی کلا\*،  
ازباران\*، جزین\*، کچپ\*، گلوسا\*، کمانگر کلا\*، کارگر کلا\*، کولنگ سر (کلیک\* -  
سر)، لعل کیاده (پولکیاده)\*، میریج محله\* امرزنکور\*، معلم کلا\*، ملا کلا\*،  
قرا کلا\* و قرامحله\* یا بامر کلا، سنگ بست\*، سریجان\*، شاه کلا\* و کلا محله،  
شاه کلای کلیچ\*، شهنه کلا\* (شاه کلاسورک) سیرجاران\*، سورک\*، سرخ رود\*،  
تمسک\*، تسی کلا\* تفنکا (سابقاً تمنگاده و فریده تمنگا بوده است. دشت کازرنزدیک  
تمیجده قرار دارد). توله سراپی نمد\*، اجاق سادات، علوی کلا\*، وانکس\*، وزرا  
محله\*، زنگی کلا\*، زرداب\*.

ظہیرالدین می نویسد که دونگه در دابو اقامتگاه ابوالفضل دابو بوده است.  
(ه) دشت سر\*: آبسرفت\*، آهنگر کلا\*، بوران کلا\*، بز میان\*، چماز کلا\*،  
فیروز کلا\*، کالش کلا\*، هارون کلا\*، هارون محله\*، هندو کلا\*، کمانگر کلا\*، کام  
کلا، کته پشت\*، خوردون کلا\*، کبویج کلا\*، کپنه دون\*، مهدی خیل\*، ملا کلا\*،  
پاشا کلا\*، رچه کلا\*، رودباردشت\*، شرامه کتی (شرمه کتی)\*، سرخه کلا\*، ترک کلا\*.  
(و) گرم رودپی\*: آهنگر کلا\*، عطایان\*، چنگ میان\*، حاجی کلا\*، لوران\*،  
مدرس\*، تمسک\*، وسطی کلا\*، گرم رودپی شاید همانست که ظہیرالدین گرم آبرود  
نوشته است.

(ز) هزارپی\*: المده\*، الم توتزار\*، ارمک کلا\*، بانوده\*، بیشه کلا، چهارافرا\*،



دباغ ده\*، دریا سر\*، اسکنه ده\*، کالش کلا\*، کورک\*، ارم\*، جوزا کلا\*، کلیکان\*، کهلیرد\*، متوریج\*، نو کلا\*، پاشا کلا\*، رودپشت\* اوجی آباد\*، اروین دشت\*.

(ح) لیتکوه\* : اکارجه\*، المسر\*، عالی جنگل\*، آنچه پل\*، انکشت\* و مشتگان\*، انکسی\*، انصاری محله\*، بزم عباس کوتی\*، بار کوتی (مار کوتی)، بیدار\*، بپوته کران\*، درانده\*، درکابی\*، و ورکاده\*، دارمه کلا\*، درزین کلا\*، هنی\*، جعفر کلا\*، جینگر\*، هلومه سر\*، کبوتر گاده\*، ده کلهودشت\*، کارچکلا\*، کاسمنده\*، کته خواست کوتی\*، کلاک\*، کلان\*، خلیج\*، خاص کلا\*، دراران\*، کوکده\*، کوشه زر\*، مرزون کلا\*، میجران\*، پردمه کلا\*، قادی کلا\*، قاجار\*، روپرنده\*، رزد که\*، رزکی بسته\*، رودبار کش\*، رود کش\*، سردای محله\*، سرهنگ کوتی\*، شاهی کلا\* شاه محله\*، شاه زید\*، سوته کلا\*، تجن جار\*، تجن جارلاریجان\*، ولپسه- ده\* ویاسمین کلا\*، یاسمین کلای شایخ\*، یانپی کلای ورزی.

محللات ذیل در ناحیه آمل اند : ابوالحسن آباد، افراسرا، افرا تخت، آهک- کلا، احمد آباد، الرب، اورتشت، بجا کلا\*، بختیار کوتی\*، برجنده\*، بازیار کلا\*، چندر محله\*، چاوری\*، چاوسر محله\*، دنگ پایه، دوتیره، دود محله، اجبار کلا، اسکومحله، اسپنت، اسپنج، اسپاربن، فراش، گرمسر محله، غیاث کلا، حاجی- آباد، هله کش، هلی چال، هلیسن کش، کمر بند، کپی، خر کن، خضر، خورنه، خوش واش، کنسی، کنسه مرز، کنسه یا، کوسی کلا، لنکج، لر گه سری، لیوجان، ماخوران، منگل، مرزبند، میان ده، مرید چر، ناردن کلا، پلم کوتی، یره سنگ، ییلک، پشته، قلعه بن، روح کلا، سعدالدین کلا، سگرچی، سر محله یا دیارود، سید محله، شرم کلا، شیر کلا، تخت بند، توله کلا، تر که ران، تسکابن، اطاق سراچال و اکتان (که ظهیر الدین ذکر نموده) ولیک، زاغ ده. در زمان فرخان کبیر در فیروز خسرو قصری وجود داشته که بعدها بنام فیروز آباد شهرت یافته و آن

در دوفرسخی آمل بوده . ظهیرالدین نام فلاس را آورد که در نیم فرسخی آمل سر راه دیلمان بوده . وی همچنین میران آباد را درست غربی آمل نوشته و قدری دورتر در طرف مشرق مران ده که دهکده ایست نزدیک آمل در مغرب آن واقع بوده و میزان ده که نزدیکی آن کر که پی دشت بوده .  
ابن اسفندیار<sup>۱</sup> در باره ماهانه سر که بعدها محل مستحکمی برای استقرار فرمانروایان خاندان مرعشی مازندران شد ، می نویسد : « پادشاهی که ماهیه سر ( ماهنه سر ) نام داشته در محلی واقع در چهار فرسخی آمل مسکن داشت ، آنجا که اکنون آسی ویشه نام دارد و قصرش در دهکده ای که ویلیر نام داشت و هنوز هم هست واقع بوده است . بین دهات کیلان کور و شیر آباد جنگل وسیعی است که هم انبوه است و هم درختان بلند دارد و هنوز هم ماهیه سری دز خوانده میشود و در مجاورت آن خندق عمیقی است پر از آب و علفهایی که هر چه در آن بیفتد بکلی ناپدید می شود » .

### دهات لاریجان

(الف) امیری \* یا پایین لاریجان ، احا \* ، اخونزی ، الزم (چراگاه) ، اناربن \*  
انجی (چراگاه) ، باغ چوپان \* ، دینان \* هفته چال \* ، ایلیس \* ، کل پاشا \* ، لشلوار ، قلعه -  
درگاه \* ، شاهان دشت \* ، شنگلده « ۱۱۳ » وانه .  
(ب) بالا لاریجان \* ، ابهی \* ، امراب \* ، انکه مار \* ، اسك \* ، ازو ، بند قرفه \* ، برف -  
آب پی \* ، بستك \* ، گر هاسر \* و بهمن آباد \* ، کرنا \* ، کزنه ، کزانگ \* ، کیلاس \* ، ایرا \* ،  
کمدلو \* ، کفار کلا \* ، لسن \* ، لزورک \* ، ملارد \* ، ملک آباد \* ، ملهار \* ، مون \* ، نوا ، نیاك \*  
پایین کوه ، پلور \* ، قرنگوم \* ، رینه \* ، ( که در نزدیکی آن قصر لوند رقرار دارد ) سعامک \* ،  
شاسب پر \* ، سیاه کتو \* ، زیار \* .

۱- رجوع کنید به ابن اسفندیار ص ۳۷-۳۸ .

(ج) بهرستاق\* : افن سر ، بایجان\* ، بوالکلام\* ، درکاس\* ، هفت تنان\* ، هلبه کلادوش ، خاف ، کرزک لوشلویی\* ، لوط\* ، محمدآباد (قهوه خانه ایست) یاتلینو ، مریجان\* ، مه کتان\* ، نوسر ، پنجاب\* ، پرده\* ، ساروقایی\* . چراگاهها عبارتند از : فیکسره ، هجران ، ارنی ، لته پشت ، نی ، نیرین ، نوقلبان ، نوقگس ، شیرسل ، سیاه کمر بند ، زردل ، زر زمین .

(د) دیلارستاق\* : دیزان\* ، فره\* ، حاجی دیلا\* ، حرمون\* ، جوچار\* ، کهرود\* ، (کهرود) ، کیان\* ، کرف\* ، لپیر\* ، مله متکا\* ، ماندر\* ، میانده\* ، نونل\* ( ناندل ) ، سردشت\* ، تینه ، ورکا ، (که فریدون در آنجا تولد یافته) .

(ه) دره لار : یورت یامراتع : چشمه شاه ، چهل چشمه ، گیلردک ، امامزاده ابن امام موسی ، خان احمد ، خانلر خان ، خرسنگ ، لته بند ، سه دره ، شاه . کاروانسرای سرخک ، بستک (ارتفاع ۸۵۰۰ پا) و سفیدآب که سر راه طهران - بلده ، نوراز طریق لشکرک واقع است دهکده نمک جاه نیز در دره لار است .

منوچهر مرزبان لاریجان قلعه کهرود را که بعد ها به کارو معروف شد ( با کهرود مقایسه شود ) چنان آباد کرده بود که در هر رشته صنفی و تجارت افرادی از هندوستان مصر و سوریه با نجا آمده و اقامت گزیده بودند . دژ آن در سال ( ۷۸۳ هجری ) بوسیله سید فخرالدین مرعشی تسخیر گردید و بحال ویرانی ماند تا بدست ملک کیومرث تعمیر شد . ظهیر الدین دژ فلول را در لاریجان ذکر نموده و ابن اسفندیار دهکده ای بهمین نام ده فلول یاد کرده . راه باریکی بین آرم در هزار جریب به پرده در لاریجان از طریق انجدان و آینه کوه وجود داشته .

اسامی ذیل هم محلات لاریجان است سیووجه یا سیاه وشه ( بین پل لپاش و پرسپ سر راه آمل به طهران ) زردبان ، چشته هارون ، علی آباد و پاسنگی کاه . در دیلارستاق منزل گاههای : بوری ، احو ( چندین غار ) و احمد آباد هست .

## دهات سواد کوه

۱- راسته پی\*:

- (الف) دو آب بالا\* یا ارفع ده یا ارفع رودبار، کور زین العابدین خیل، (گرز- الدین خیل) ملرد، سنگسرك، سرخه چال، اوریم .
- (ب) خانقاه\*، انارم\*، اسه، ده میان، کوه صطبل، رجه .
- (ج) خانقاه پی\*، اریم، ازرود، بایکلا، فلرد، کرد آسیاب، کمزود، کرمزد، یرنات .
- (د) راست آب پی کوچک، ازنرود، کو کمزود، میار کلا، شورمست، تله .
- (ه) سرخ رباط\*، عباس آباد\*، اتر کلا، بیم دره، ملیه دره، ونده چال، ورسک .

۲- ولویی:

- (الف) الاشت\*، الاشت\*، کو کسان؟ لرزنه، لیند، سبک رود، سرین، سواد رودبار .
- (ب) انند: انند، بیم دوره، دوراه اسطله، کلباغچه، کا کران، پلند، شش رودبار، وله، و سیه کش (وسیه سر)
- (ج) چیرات\* .
- (د) کرمزد، اسل، نامشی، شیرکله .
- (ه) کسلیان، امیر کلا، اتو، بهمنان\*، کجید، کسلیان\* و ملاحیم\*، لولاک، لوویور، مته کلا، پسا کلا، پیر نعیم، سنگ نشاط، سیپی، سوتنه سره، و کسر، ولو کش .
- (و) کلاریجان\* و کمندین، اوت، دو آب، اپرت بن، کمند، کلاریجان، مومجی خیل، پینه ارم، تلیم، زنکیان .

(ز) زیراب\*، عالیه کلا، چرسون، چندلا، دیویلیم، کلیج کلا، کلا، خواجه کلا، خلیل کلا، خرمند چال، کرد آباد، نخ کلا، نرگس جار، شیردره، سرخه کلا.

یریجان\*، شوندی\* و فرا\*، آهنگر\*، کاوه\*، خنار\*، تیره های ماشخ هم در صورت های مالیاتی مذکورند.

ملکونف محال ذیل را جزو سواد کوه ذکر نموده است: امامزاده حسن، امامزاده سفید، اسپیی چشمه، شیخ محله، شور کوه. اعتمادالسلطنه سر کلا و بن-کلا را دهاتی بین راه دیویلیم و پل کسلیمان نام برده و میافزاید که ناحیه غربی جاده به حوزه دابو متعلق است.

دره انساران (که Stahl اشتال اساران نوشته) در سر راه فیروز کوه به فولاد محله بنظر من قسمتی از سواد کوه است. کشت و زرع خوبی دارد و گندمش مرغوب است. میگویند تنگه انساران که از جشن یا دره جش به مازندران منتهی میگردد، بسیار سنگلاخ و صعب العبور است. سلس و چشمه روسیا و کوه قدمگاه در دهکده چشمه طبق نقشه لاوت تماماً نزدیک نهری بنام کوریا میباشند که بعقیده من همان کرود است. باین نهر شعبه های فرعی از طرف جنوب بنام نهر جشی ملحق میشود. ولارود (یا الوارود) که ظهیرالدین ذکر نموده نهری است که حوزه ولویی را مشروب میسازد.

### دهات مشهد سر

(الف) بلده\* (دهستان پازوار): شامل عرب خیل، بابل پشت، باقر تنگه، بازار محله، کاظم آباد، میان دشت، قلعه و صوفی محله.

(ب) بانصر کلا\*، بهنمیر\*، پیشه سر\*، چمازده\* و گیلور\*، کلاندون\*، مقری کلا\* و کبوتر دون\*، روشن دون.

(ج) پازوار\*، آهنگر کلا\*، ارمیج کلا\*، ارمیج کلای مری\*، بابا بیگ -  
 کمانگر\*، ولو کلا\*، درزی کلا\* و مقری کلا\*، فو کلا\*، حاجی عبدالعظیم کمانگر\*،  
 حاجی سعید کمانگر\*، کفشگر کلا\*، کلبست\*، کرد کلا\*، لاری کلا\*، ملک کلا\*،  
 میر بازار\*، مظفر\*، نقیب کلا\*، رضا کلا\*، سید کلا\*، شهاب الدین کلا\*، سلیمان کلا\*.  
 (د) رودپشت\* : گاوزن محله، اسفند بار محله\*، جامه بازار\*، کوهیر محله\*،  
 لاری محله\*، میرزا محله\*، قادی محله\*، سادات محله\*، اوجابن\*، اوجاق سر\*.  
 (ه) تلارپی\* : آهنگر کلا\*، اکرتیج کلا\*، دسته\*، کالش کلا\*، حلویابی -  
 کلا\*، جنید\*، کلهودشت\*، کپورچال\*، ملا کلا\*، نجار کلا\*، رستم حاجی علی (بالا -  
 رستم)، رستم زمان کفشگر\*، (پایین رستم)، سالرود کلا\*، سید محله\*،  
 اوجاتالار\*.

### دهات بار فروش

(الف) دهستان، بالاتجن، بلده\* و دهکده کفشگر کلا\*.  
 (ب) بالا بلوک\* آفا ملک دلاور\*، آهنگر کلا\*، اله چالی کاردگر\*، عالی -  
 زمین\*، بنگر کلا\*، درزی کلا\* و کولی\*، دونسر\* و شیر سوار کلا\*، حاجی کلا\*،  
 نجار کلا\*، نوشیروان\* و الکان\*، نوشیروان بوستانی\*، قصاب بوستانی\*، قصاب میان -  
 ده\*، شیخ\*، سوت کلا\*.  
 (ج) بالا تجن\*، افرا\*، بای کلا\*، دای کلا\*، دزآباد\*، (فندری نماور)  
 (چندری نماور)، فومش کنار\*، حاجی کلا\*، ایسپو\* یا حاجی کلا\*، جیجال  
 طولخانی\*، کاردگر خطیر\*، کشکا\*، کاوان آهنگر\*، بالا کاوان\*، خطیر کلا\*، کیا کلا\*،  
 خورمه کلا\*، کرد برو کلا\*، مانی زرگر\*، نو کلا\* و بی کلا\*، قلزم کلا\*، صنعم،  
 سوخته کلا\*، ترسی کلا\*، تولندره پی\*، زرگر\*، ظهیرالدین شیروچ کلاته را در  
 بالاتجن نام برده است.

(د) بندپی: احمد چال\*، امیر ده\*، اری\*، بورا\*، بزودی\* و شانہ تراش\*، دیواو فیروزچاه\*، دیوچال\*، دولت رودبار\*، فنک چال\*، حلال خورمحلہ\*، کلو گاہ\*، کنج کلا\*، گرمی کلا\*، کارد گر کلا\*، کرہ کنار\*، کلا رودپی\* و سفید تور\*، کشی کلا\*، کشتلی\*، خوش رودپی\*، کوپہ سرا\*، کرد رودبار\*، ماشو کلا\*، نر کس چال\*، مقری کلا\* و افراسیاب کلا\*، ناریوران\*، نودھک\*، نشال\*، پایین رودپی\*، پوست کلا\*، آھنکر کلا\*، سپمین کلا\*، سنگچال دادملا\*، سنگ رودپی\*، باکارد گر کلا\* و شور-کلا\*، سیاه ده\*، صلحدار کلا\* صورت\*، وزرشوران\* و رزنہ\*، زوارده\*.

(ه) بیشہ\*، امیر کلا\* آزاد کلا\* بند خوی\*، بندار کلا\*، چومازده\*، درزی-کلا\*، آخوندی\*، درزی کلا\* حاجی نصیرا\*، دیودلا\*، حاجی کلا\*، حاجی کلا\*، کارد گر\*، هیکاپشت\*، حیدر کلا\*، کمانگر کلا\*، کشتلی عزیز علمدار\*، خیر آباد\* و لاغر زمین\*، کهنہ دشت\*، لعل زنی کیا کلا\*، ما کر کلا\*، منصور کنده\*، مری کنده\*، نقیب دشت\*، نصیر آباد\*، قادر کلا گر\*، قراخیل\*، سراجہ کلا\*، سید کاشی\*، شاه-کلامحلہ\*، شہاب الدین کلا\*، اوشیب\*، ولیک دون\*، وریکنده\*.

(و) جلال ازرك\*، آرد کلا\*، بصرا\*، بیجا\*، بیجی کلا\*، درخی (ارچی؟)، فرم\*، کلیکا\*، کلارسی\*، کریم کلا\*، لیلیم دشت\*، مرزبال\*، مرزون آباد\*، میکا\*، موزورج\*، نودھک\*، قاری کلا\*، قوشچی\*، رزه کنار\*، رضا کلا\*، رکن\*، سارہ\*، سردورقادی\*، سرومہ میان\*، سید عزیز گشتاسب\*، شیخ ذکیا\*، سرخاب\*، سوتہ\* و مہلستان\*، تہ ندار\*، تجری اسپ شوری\* یا کارد گر نماور\*، (در نزدیکی آن مشہد سبز در سہ فرسخی شہر بار فروش، سر راہ آمل واقع است. در آن حدود آثار دیوار و خانہ هایی پوشیدہ از علف و بیشہ هست کہ نشانی از شہر تجری سابق است کہ طول محیط آن یک فرسخ بودہ. درن مینویسد آن شہر در بندپی واقع و در آنجا مقبرہ نو امام است) تاج الدولہ\*، طغان\* و خورشید\*.

(ز) لفور\*، آزاد کون\*، دھون\*، لفور\*، لفورك\*، نفظ چال\*، محلہ حاجی جعفر\*، تنگ سرا\* .

ابن اسفندیار موج کوه را یکی از دهات لفور نوشته است .

(ح) لالاباد\*، احمد چالہپی\*، ایمان آباد\*، الشا\*، اندای کلا\*، بازیار\*، چناربن\*، چمازدون کلا\*، درزی کلا\*، اترک چی محلہ\*، داود کلا\*، گرمیج کلا\* یا گرمیش کلا\*، کیل کلا\*، حاجی کلا\*، اسپو کلا\*، کمانگر کلا\*، کرو کلا\*، خاصہ بابلکان\*، خطیب کلا\*، للوک\*، مردمان کلا\* یا قلعه کش\*، مرز کنار\*، منس کلا\*، مظفر کلا\*، نصیر کلا\*، نوایی کلا\*، رمنت\* و داود کلا\*، رنگریز\*، موریکاج کلا\*، رودپشت\* یا درویشہ خاک\* شمشیر زن، ابوالمحمد بیگ\*، یاغی کلا\*، زاهد کلا\* .

(ط) مشهد گنج روز\* : ابوالحسن آباد\*، (با بقعہ امامزادہ محمد کہ در آنجا زریہ چوبی است کہ بدستور محمد کاظم و بدست محمد تقی بن محمد یوسف دماوندی نجار ساخته و بخط عبدالعزیز مهدی نوشته شدہ است) جاری و کاوان آہنکر\*، ارمک الرودیار\*، دلو کلا\*، دروزن کلا\*، گنجوروز\*، قتاب\*، باجلودار - محلہ\*، جوب بشت\*، کشتلی\*، کلچوب\*، کلار رودپی\*، مرزناک\*، میر کلا\*، میرشب\*، روشن آباد\*، تلوت\* .

(ی) ساسی کلام\*، آقا محمد، الرودیار یا گزہ محلہ، درویش محلہ، دیوبند کلا، اسپی گر کلا، کلا گر کلا، کرد کلا (شاید همان کرد کلا است کہ ظہیرالدین نام بردہ و سابقاً بنام لاکابندان مشہور بودہ) کردپی، متی کلا، ملا کلا نقارچی محلہ، قومی کلا، روار کلا، تیر کلا، ترک محلہ .

ظہیرالدین، قرین آباد دشت را در ساسی کلام ذکر نموده دهات ذیل ہم در بارفروش یا حدود مجاور آن درمشہد سر یا فرح آباد واقع اند، احمد کلا، اندور، ارچی، ارزلو حاجی کلا، اسیر کلا، آوہ، ازربند، عزیز کلا، باغشت، بالاخانہ -



سر ، بلف کلا ، بمتو ، بربری خیل ، برسمین ، بازار گاه ، چهار ، چمازان ، چماز-  
 کلا ، درکادشت . درزی محله ، دشت سر ، ده ملا ، دراز کلا ، دیو دشت ، دردین ،  
 کلیا ، گمیش کلا ، گردن بری ، گاو لنگر ، گوران تالار ، هجیر کلا ، هلیکنده ،  
 هلیشت ، ابن نوه ، اسکنده ، اسپه کلاچی ، اسری کلا ، جنف کلا ، جنه ، کلمی ،  
 کاظم بیگی ، کاظم کلا ، کبریا کلا ، کلاره کلا ، خرابده ، خرده مرد ، حسین کلا ،  
 خوشکرو ، کیخا ، کچ ، کوچانی محله ، کوشان آباد ، لدر ، لنگور ، لمسکلا ،  
 میدان سر ، می کلا ، ملفه ، ملکه خیل ، ملک کلا ، ملکشاه محله ، مسی محله ،  
 مهدی کلا ، نصیر محله ، نیشون کلا ، نودی کلا ، پادشاه میر کلا ، پری کلاه ، ره -  
 کلا ، رضیه کلا ، سنگه پوش ، سرادار کلا ، سته ده ، سرس ، شب کلا ، شفته کلا ،  
 شاه کوتی ، شمی کلا ، شیخ قدیر ، شیخ موسی ، شیردار کلا ، شورک (سورک) ، سیب  
 باغ ، سیاه در گاه ، سیاه کلامحله و حیدر کلا ، شیرزک و کنده کلا ، سوره بن ، تاز  
 پشت ، تلیکران ، تمتمه کلا ، ترس ، تجنک ، تیرخانی ، تیرونشی کلا ، تراکل ،  
 علوی کلا ، ولوند .

ناحیه سواد کوه را غالباً از حوزه بار فروش محسوب میدارند . شیر گاه ،  
 گاهی از نواحی سواد کوه بشمار می آید .

### دهات فرح آباد<sup>۱</sup>

(الف) بلده و دازنی کنده . (ب) دهستان انده رود\* ، آبندان کش\* ، آبندان -  
 سر\* ، اسرم\* ، ( سلیم فرغانه بوسیله وندامید کوه در هر سه مال واقع در سه فرسخی  
 آمل کشته شد ولی بعضی میگویند این واقعه در اسرم در محلی اتفاق افتاد که در  
 نتیجه این قتل هی هی کیان خوانده شده است ) . آزاد گله\* ، بالو محله\* ، براره\* ،  
 چو کلا\* ، باکرامک\* و رازی\* ، دنگ سرک\* ، داراب کلا\* ، درین\* ، بسامه\* و پروین\* ،

۱- بیشتر دهاتی را که مؤلف به فرح آباد منسوب دانسته است مربوط به ساری است .

هاسیت آباد\*، هیولا\*، اسفندیار محله\*، جام خانه\*، کلما\*، کلاک\*، کوک باغ\*، لاک\* -  
دشت\*، ملک آباد\*، مرزود\*، مرمت\*، معلم کلا\*، پنبه چولا\*، قادی کلا\*، صاحبی  
ویش کلا\*، سمسکنده\*، شهریار کنده\*، سورک\*، طاهرده\*، ذغال چال\* .

(ج) کیل خواران\*، بهستان\*، دیوچال\*، دیو کلا\*، فوتم\*، ایرن آباد\*،  
اسمعیل کلا\*، جوهر\*، کرد کلا\* و چیک رود\*، میانده\*، پهن کلا\* و کو کنده\*، سرو -  
کلا\*، سراج کلا\*، شیب آبندان\*، سورکا\* .

(د) میاندورود\*، عالی کنده\*، بابلور\*، بای کلا\*، بزمین آباد\*، چمان\*،  
دره پستان\*، اسپو کلا\* و تاجی کلا\*، کلبستان\*، ما کران\*، نکا\*، نودهک\* و کیلا آباد\*،  
سوریم\*، طبق ده\*، اوجا کلا\* و لتور\*، ورندان\*، زید یازیت\* .

(ه) رودپی\* : آب مال یا اومال\*، آکند\*، فیروز کنده\*، کلمر\*،  
یاقاجار خیل\*، ماه فیروز محله\*، پنبه زار کوتی\*، صلاح الدین محله\*، و بیچه کلا\*،  
سید محله\* .

(و) شهر خواست\* : عالی واك\*، آلو کنده\*، چمازك\*، دام سر\*، درك\*،  
دیمتوران\*، دراز محله\*، دیو کوتی\*، دونك\*، و سمندك\*، کیله دون\*، کیلنشین\*،  
اسفندان\*، خارمیان\* و میان چاه\*، خاربک\*، موریدار\*، سلیمان محله\*، تاج الدین -  
محله\*، تجنک\*، زرگر باغ\*، زرین کلا\* .

دهات ذیل نیز جزء فرح آباد است : کیل چاله سر\*، کوسر کنده\*، کمشیان\*،  
لاک تراشان\*، ملی کله\* .

### دهات ساری

(الف) بلده\* :

(ب) علی آباد\* بازار علی آباد\* (شاه عباس در اینجا قصری ساخته و آنرا  
بوسیله باغی آراسته بود . راههای عمده این قصر از میان علی آباد می گذشته است .

علی آباد

ظهیرالدین نام بعه‌ای را در این محل ذکر کرده که زیارتگاه مهمی برای مردم آن حدود بوده است. بقعه مزبور هنوز پابرجاست. (چماز کوتی\*، درزی کلا\* بامجاور- محله\* و اسکندر کلا\*، کفشگر کلا\*، با منی کلا\* و پریجا کلا، خمیر کننده\* و کروا\*، خوش سرا\*، قادی کلا\* و سارو کلا\* و اسکس\*، وسطی کلا\* و سرو کلا\*.)  
(ج) بیشه سر: آهنگر کلا\*، چبی\*، گل افشان\*، مراتع\*، میله\*، (محل يك آبادی قدیمی) و پرچینک، ری کننده\*، تهارم\*.  
(د) اسفی ورد\* و شوراب\*، ازدارك\*، باریکاسر\*، بیج کلا\*، کیله کلا\*، گرجی کلا\*، لیلی کلا\*، مافروجك\*، ملك\*، پاشا کلا\*، رودپشت\*، سلو کلا\*، شمله دون\*، شرفدار کلا\*، سرخه کلا\*، زردی چال (زره جان؟)\*، زرین آباد بالا\*.

ظهیرالدین از دهکده دزادون در کنار تجن رود، که از قصبه شوراب چندان دور نبوده، نام برده است.

(ه) گلیجان رستاق: آهی دشت\*، امری\*، آقا مشهد\*، بندارخیل\*، دالستان\*، دروار\*، دزا، گردشی\*، گرمستان\*، گرم رود\*، گل چینی\*، هولار\*، کلور\*، خان عباسی\*، کولا\* (بر سردر بند کولا نزدیک جاده آرم قصری بوده که از قدیم به عایشه کرگیلی دز شهرت داشته در آنجا اسپهبد خورشید هنگام هجوم لشکر اسلام به طبرستان زنها و خانواده خود را منزل داد. اندکی بعد فرمانده لشکر خلیفه فرار به طبرستان تاخت. اسپهبد و ندها هر مزد در در بند کولا منزوی شد و در گوازونو نزدیک آنجا، دو سد بزرگ ساخت. یکی در بالا و یکی هم پایین در پای قصر کوزا بالای دهکده تالپور مردم کولا با اهالی کوه قارن برای سهراب بن باو قصر و حمام گرم و میدانی ساختند. این عمارات بعدها بوسیله اسپهبد شروین توسعه یافت و تا زمان ابن اسفندیار، وجود داشت.) لامار\*، نوده\*، پهن کلا\*، پل گردن\*، سنگ

تراشان\* ، سلیم بهرام\* ، سلیم شیخ\* ، شیلر کنده\* ، ورکی\* ورنند\* .  
 (و) کارکنده\* : آبك سر\* ، افرایل\* ، المشیر\* ، اران\* ، چارتابن\* ، دینار-  
 گوشي\* ، (نیار کوتی؟) دولت آباد\* ، حاجی کلا\* ، عیسی خندق\* ، خوشاب\* ، ماشك-  
 پشت\* ، تیر کار کلا\* .

(ز) کیا کلا\* : از ، عزیزك ، بچه چاله سر ، درویش عالمباشی ، دیو کلا\* ،  
 دوک ، گروسد ، جزیه میلامی خیل ، رکن کلا ، سنگ تو ، سه روزبالا ، سیدآباد ،  
 شهزاد .

(ح) مشك آباد\* : در که سر\* ، کلیرد\* ، لاریم\* ، مار کوره\* ، پهناب\* ، رودپشت  
 یابین\* ، تلارك\* ، ورسو کلا\* .

(ط) نوکنده کا\* : افراکش\* ، آهنگر کلا\* ، لموك\* ، رکابداری کلا\* .  
 (ی) ساری رودپی\* : اشرف محله\* ، اجورسر\* ، اسارویی\* و بالومحله\* ،  
 بیجلو\* ، گل افشان\* ، اسطخ سر\* ، کلا ، نجار کلا\* ، رکن دشت\* ، سروینه باغ\* ،  
 شرف آباد\* ، قورق\* .

(ك) سواد کوه\* : راجع بآن شرحی جدا گانه مذکور شده است .

(ل) شیر گاه\* : آهنگر کلا ، ارسنجان ، بوره خیل ، چاه سر ، ایوه\* (ایوك)

کلیج ، منحل ، موسی کلا ، پولاد کلا ، راه دارخانه ، شاه محله ، شیر گاه .

دهات ذیل را نیز جزو ساری نقل کرده اند : ادرستاق ، افرا باغ ، افرا کوتی ،  
 انجیلسان ، ارته ، اسد آباد ، آسیاب پیش ، آسیابسر ، اتی کلا ، بالاکلا ، بنده  
 فروش ، بروحصار ، بشل ، بیناسونك ، بریجان ، چاله پل ، چاله زمین ، چواهر ،  
 چولی ، دنگلده ، دارویی ، دشت میان ، دینجه کلا ، هرمینا ، حسن آباد ،  
 حسین آباد ، اسپی واشی ، اسپوریزی ، جامسو (یا چمنو که ظهیرالدین نوشته است  
 از دهات ساری است . در آنجا بقعه مزارسادات و زیارتگاه است . درسیاهرود نزدیک

جامنو در دهکدهٔ دنکی کردابی بنام گنج کرداب هست که ابن اسفندیار نام برده است ( خنرمحله ، خانقلی محله ، خرچنگ ، خشکسری ، کردخیل ، کوتی سر ، کوتی سردشت ، لولت ، مشخی کالا ، مهرون کالا ، ( نداف خیل ) ، نقارچی محله ، نرگس کوتی ، نعلبندان ، نودشت ، نومل پایین کالا ، پیچا کالا ، قلعه سر ، غریب محله ، رستمدر کالا ، سدپی ، سعید محله ، سنعه خیل ، سنگریزه ، سنتی ، سرکت ، شیرکتا ، سیاه انار باغ ، سیاه چنار ، سیاه کالا ، سیر ، تکوباغ ، تلی کالا ، ترسی کالا ، ولاشت ( باتیه ای بنام تپه مرندین ) ورت ، وستون ، زاهد محله ، زرین ده ، زوار محله .

ابن اسفندیار دولت آباد را از آبادیهای نزدیک ساری شمرده است .

### دهات هزارجریب

۱- دو دانگه :

( الف ) . . . . ' ، اله سر ، علی آباد ، ارزم ، است میر محمد ، اتینی ، ایلال ، بلده ، چارده رودبار ، چالود ، در بیت و مزارع شه میرزاد ، فیتسک ، ( در کنار رسوم رودبار که شعبهٔ علیای تجن است ) فیتسک آهنگر ، فولاد محله ، کاورد ، گوهرده ، گل خواران ، هیکو ، جاشم تنگس ، کلیم خواجه ، کرکام ، خرید ، خرم آباد ، کیاده ، کیت ، ویسرم ، کولی ، کلیدر ، کست ، لالا ( که دمورنی آنرا مرکز هزارجریب شمرده است ) نوده ، پایینده ، پاچی ، پرده کالا ، پرکنار ، پرور ، روشن آب ، رودبارک ، سلی ، سنگ چشم ، سروک ، شلیمک ، سیاه دشت ، سیاهوش کالا ، سرخه ده ، تلاجیم ، تمام ، تن بلا ، ترازده ، تیله بن ، تیلک ، ورمز آباد ، و اوس .

( ب ) نیافت ، آهنگر کالا ، آبک سر ، ای ساس ، بلارک ، بیشه کالا ،

داماد کلا\* و کوهنه ده\* ، داود کلا\* ، دومر کلا\* کل کل\* ، جعفر کلا\* ، کلیج کلا\* ،  
مر گاو\* و پاشا کلا\* ، میرازده\* ، نوده کلا\* ، بهمور\* و دروار\* ، پره کوه\* ، په پشت\* ،  
سنکچال\* ، شهر دشت\* ، شهر یاردره\* ، سوته کلا\* ، طبقه کلا\* ، تقی آباد\* ، تلارم\* ،  
ولیک بن\* ، واو دره\* ، وزملا\* ، ولیک چال\* .

## ۲- چهار دانگه :

(الف) اچرستاق\* ، آهنگر کلا\* و اسطخ سر\* ، اندین\* وسق محله\* ،  
برنا\* ، دیوا\* ، کلا گر محله\* و کرد محله\* ، خواجه کلا\* ، لمرد\* ، اوچنده\* ، مشبو-  
کلا\* و ارسم\* ، متکازین\* ، قریب محله\* ، سه مه چول\* ، سورک\* ، تارسم\* ، زیر بند  
سهل پل\* .

(ب) اترانکوه\* : افطلت\* ، الارزبوم\* ، الارزشوراب\* ، اندرات\* ، استارم\* ،  
ارزت\* ، بادله\* ، چناربن\* ، چین پرچ\* ، داود محله\* ، کنه کش\* ، گته رودبار\* ،  
کاو سالار\* ، کوا\* ، هفت لب\* ، هلوچال\* ، حلرم\* ، استاجنان\* ، استی محله\* ،  
کمر بن\* ، کلارم\* ، کلوز\* ، خارکت\* ، ملک محله\* ، پارسا\* ، پای تو\* ، پیتونو\* ،  
پشت رودبار\* ، سنگ ده\* ، شیام\* ، شیلدره\* ، وهی\* ، وایوا\* ، یلما\* ، ونشت\* ،  
کلوار\* .

(ج) بالارستاق\* : عابدین خطیر\* ، اغوزبن\* ، اسپو\* ، استوروی کیل\* ،  
استوروی کفشگر\* ، کلکش محله\* ، کلیای خطیر\* ، کافی بافی\* ، کوشک نداف\* ،  
کرد دشت محله\* ، لند اسپو\* ، (نو و کهنه) لند رودبار\* ، مرند کشل\* ، میکا محله\* ،  
سر مرد\* ، ساروک بن حاجی کفشگر\* ، سیدک محله\* ، سیاه بلوی تمار\* ، سوته نداف\* ،  
تیموی لنگ\* ، یانه سر بر کیر\* .

(د) برد\* : «۱۴۴» تلمادره\* ، اکره\* ، بادله کوه\* ، سیاه پر\* ، سرخده\* .

(ه) بر کار\* : عبدالله محله\* ، آرم\* ، باغبان محله\* ، الیاس محله\* ،

اسمعیل محله\* ، کلاگر محله\* ، کردمحله\* ، یادکرد کلا\* ، میدانک\* ، ریزوشم\* ، سفیدکوه\* ، سلیمان محله\* ، وسم\* .

( و ) چالو\* : چرکت\* ، گل جاری\* ، هلویر\* ، منزل دره\* ، توسه\* ، اورشف\* ، ورنه\* .

( ز ) درکا\* ، اجورد\* ، اندراچم\* ، بورما رودبار\* ، درکا\* ، دروک\* ، کارپام\* ، کلاگر محله\* ، سنگ\* ، تولت\* ، زرین آباد\* .

( ح ) غلامی\* : عبداللهی\* ، غلامی\* ، کلا\* ، ملو\* ، مصیب محله\* ، پارچ\* ، شل\* ، شلر\* ، ویما\* ، زنکت\* .

( ط ) کوهسار\* : آقا زمان\* ، اغوزدره\* ، انارما\* ، ارداسیره\* ، بیشه بند معینی\* ، بیشه بنه و کراب\* ، چشمه بن\* ، درم\* ، اغوزدره\* ، گرنام\* ، هبه جان\* ، کته رودبار\* ، کلای پی دره\* ( رودبار ) کیاسر\* ، کوهستان اندرون تنگه\* ، کوهستان گرنام\* ، نیورد\* ، رودبار اعلی\* ، شالا\* ، ( نیالا؟ ) سوته اغوز\* ، توسکا- چشمه\* وزوار\* ، ( مزرعه ای در فریم ) ولاسره\* .

( ی ) دهستان سورتیچی کیوسر\* : علمدارده\* ، علمداری\* ، درمان ترک\* ، دهدو\* ، دیلم رودبار\* ، دیاجم\* ، کنیم\* ، کسوب\* ، خرکام\* ، کیوسر\* ، لمسو کلا\* ، مادوررستاق\* ، نوکنده داروب\* ، ریز سرده\* ، شیل دره\* و کرات\* ، شویلاشت\* ، ملج\* ، اولیت\* .

( ک ) لای\* ، عیب چین\* ، ارزک\* ، کلار رودبار\* ، ملاخیل\* ، رودبار\* ، سیدخلیل- محله\* ، زیارت کلا\* .

( ل ) موازی\* : علم کوه\* ، آزاد سفید کوه\* ، دریب شهاب الدین\* ، حلمی\* ، هرله\* ، کیسنه\* ، لاک تراش\* ، مارم\* ، شب کلا\* ، شوراب\* ، سیور\* ، ورپم\* .

(م) میان سی\* : بارگیر کلا\* ، بروم\* ، وروکتیم\* ، حنا\* ، کته کش\* ، کلافت\* ، لارک\* ، لرما\* ، ملوا\* ، معصوم آباد\* ، میانه سی\* ، نگران\* ، پلور محله\* ، سیرجاری\* ، ترک\* ، ترک دشت\* ، اوهر\* .

(ن) پی رجه .

(س) سعید\* : اردشیر محله\* ، بالا کلا\* ، گندک محله\* ، جارچیان\* ، خورت\* ، کوت\* ، میان دره\* ، نیم\* ، قادی کلا\* (درنوکنده کا) و مزارع بردم\* ، قادی محله\* ، سابق محله\* ، سنگ محله\* ، سراج محله\* ، سید کور\* ، سوحلما\* ، ترک محله\* ، ورمی\* ، ورپم\* ، یخدم\* .

(ع) سرتی که\* : ایول\* ، بلخاس\* ، کلارچه\* ، گردامیر\* ، کرات\* ، قنارمه\* ، سرتی که\* ، یابشرت\* .

(ف) تیرکار\* : چالو\* ، خاصه رمضانی\* ، [شامل ازدارسیره گرگ تاج\* ، لای پسند\* ، لاکتاش (لاکتراش) ، شیر کلا\* ، شیت] لیمونده\* ، نوده\* ، نوری بن\* ، روزکیاده\* ، ترکام\* ، اولند\* ، ورمه زار\* ، وسوا\* .

(ص) وردیمه\* .

(ق) ولویمه\* ووری\* .

(ر) زامرود\* .

طرز تلفظ بسیاری از نامهای مزبور ، بطور قطع معلوم نیست . بمن گفته اند

که محلات زیر نیز در هزار جریب واقع اند :

دردو دانگه : افراچال ، اغوز گله ، انگپام ، احمدآباد ، درزی کلا ، ذکیر-

کلا ، دینه سر ، استیله سر ، گندلک ، جمال الدین ، کر کلا ، کرسم ، کتروم ، خشتستان خوش رودبار ، خلرت ، کرچا ، میدان سر ، مسکوپا ، محمدآباد ، ملاده ، مومتجی ، پراه ، پرچوا ، رسگت ، سر کام ، سیدآباد ، سید کلا ، سیاه کوه ، سواسره ،



تلوگا، زنبینی .

در چهار دانگه : آهنگر محله ، بالابند ، بر کلا ، بیدار ، بزنام ، چناربینی ،  
چینه پل ، چمازده ، دباغ ، دوکل ، اسپه کوه ، حسین آباد ، جنده کلی ، کفترکار ،  
کچپ محله ، کت چشمه ، کت محله ، کهنه گون ، کهنه کوه ، کدمینو ، لته کومه ،  
مشانی ، مصاف ، پریمگ ، پاوند ، پیر کلا ، رمدان خیل ، سادات ، بدابسری ،  
سنگ روج ، سیاه خانی ، سوته خیل ، طایفه پلنگ ، تاجر خیل ، تلو کلا ، ویلو ،  
وینه بن .

### دهات اشرف

( الف ) بلده \* باقادی کیاب \* ورعیت خیل \* .

( ب ) قرطقان \* : دورانسر \* ، حاجی محله \* ، کلیت \* کوسان بومی \*  
( کوهستان ) ، کوسان گرجی \* ، میان کلا \* ( مرتع ) ، نودهک \* ونکا \* نیمچای \* ،  
قلعه زینوند \* و قلعه حسین آباد \* ، قلعه نصیر آباد \* ، قراتیه \* ، رستم کلا \* ، شاهزاده-  
کلا \* ، شورابسر \* ، سیاواش کلا \* ، تروجن \* ، ولین آباد \* .

در تاریخ خانی اسامی ابراهیم کوتی و میرانه رود در قرطقان ملاحظه میشود.  
( ج ) کلباد ، آبلور و غیره گلوگا ، خورشید ، خورشید کلا ، لوسکنده ،  
لمراسک .

( د ) پنج هزار ، اوران ، باقر آباد ، کلاک ، پاسند ، قله پایان ، ران ، رکاوند ،  
رباط و خلیل محله ، سارو و آلتیه ، شاه کیله ، وله مازو ، زیروان .

( ه ) یخ کش ، اوارت ، بجت ، بیخ بن ، چالش محله ، دلارز ، غریب محله ،  
پارم ، شیخ محله ، شیرداری ، ولم . اسپهبد خورشید سپهسالاری داشت بنام قارن  
که دهکده قارن آباد در پنج هزار بنام اوست . نامنه و یهودیه نیز در پنج هزار  
بودند .

### دهات انزان

باغو ، بنفشه تپه ، دشت کلا با وطننا و استون آباد ، کز و بندرگز هشتیکه ، جفا کننده ، کارکنده و خرابه شهر ، کهنه کلباد ، لیوان ، نوکنده ، سر محله ، سرتاق ، سوته ده ، ولفرا .

### دهات سدن رستاق

النک ، الوار ، انجیلاب ، آزاد محله ، باکر محله (مزرعه) بالاجاده ، بانعمان ، چهارده ، چقر ، چالکی ، دنکلان ، درود محله ، گلو ، گرجی محله ، هاشم آباد ، حیدرآباد ، اسپه محله ، کفشگیری ، کلامو کلا سنگیان ، خرابه مشهد ، کلاجان - قاجار ، کلاجان سادات ، کرد محله ، لهدوین ، لله فان (مراتع) ، لامیلنگ ، لمسک ، مهتر کلا ، میان دره ، مفیدآباد ، نامن ، نوچمن ، نودیجه ، پشین کلا ، قلعه محمود ، قلندرآیش ، قلندر محله ، قاسم آباد ، سعدآباد ، سدن ، سر کلا ، سیدمیران ، شاهده ، شهر آشوب ، (مزارع) ، شموشک ، شوریان و تازه آباد ، تضحی محله ، توش ، اوجابن ، ورسن ، یساقی ، زرامحله ، زنگی محله و دهات مخروب اتکرم ، بن کلاته ، جعفرآباد ، خروس آباد ، قلعه ( نزدیک مهتر کلا ) روشن آباد ، صدرآباد ، توکل باغ ، علوفن ، ولاشکی ، یاجینی و یالو .

میگویند یالو بلو کی بود دارای ۳۵ قصبه که از آن جمله : بالاجاده ، گلو ، لله فان ، لمسک ، قاسم آباد ، سدان ، سیدمیران ، توکل باغ ، علوفن ، یاجین ، و یالو بوده است .

کوههای این ناحیه عبارتند از : استره کو ، کلوکن ، گاویا ، جهان نما ، منزولک ، پشتو ، شاهپسند کوه ، تاب کون ، ترکتا ، تلور .

### دهات شاه کوه و ساور

حاجی آباد جهان نما ( ییلاق ) کنداب ، رادکان ، رسول آباد یا رباط سفید

شاه کوه بالا ، مشتمل بر یورت آقارضا ، چهارباغ ، «۱۱۵» چال خانه ، جرین برین ، یورت شاک ، شاه کوه ، پایین ، طالش ارادکان سابقاً ناحیه‌ای شامل ۳۰ قصبه بود که فعلاً تمام آنها غیر از کلاته ، کنداب و حاجی آباد بوضع خراب و غیر مسکون افتاده اند . اسامی این دهات عبارت بود از : عباس خطیری ، آمدخیل ، بودوسرا ، بوسته‌مین ، چیرستان ، دی‌دره ، دو که بن ، گاو کوه یا گو کوه ، کزنه‌سرا ، هفت چشمه ، حاجی آباد ، حیدرخیل ، اسپن جاری ، کلمیش کیجا ، کلاته یا رادکان ، کسر کسا ، خاکسر دله ، خانه سری ، کولدین کنداب ، لیسه گو ، مقسی سربیح ، مازی بن ، پولادمحلله زیر کلاته ، سر کلا ، تمر تاش خیل ، ولار ، وزمه ، ز کوار ، زرشک چال .

کوهستانها و بیلاقات شاه کو وساور : اشتاس ، اسپ چر ، اسپ ونیزه ، بهارک ، بهرام خان ، بتندرد ، باریک آب ، چاله‌سر ، چمن دارا ، چندرسیت خیل ، چناربینی ، فوزه کلا ، گرمابه دشت ( نزدیک معبر قزلق ) ، گاوسنگ ، کرک‌پا ، هفت چشمه ، جاجکلی ، جولی خان ، کبود چاله ، کلوکای ، خوش آمد ، کوچشمه ، لنده کوه ، لره کوه ، لیل‌اسر ، میان‌دورود ، میان‌یورت ، نقدیورت ، نی‌رودبار ، پاییزبن ، پاییزسر ، پشت گردو کوه ، قبران ، قزلق « ۱۱۶ » رسول ، ( دره خرمی که در پایین تنگه شمشیر بر واقع است ) ریتو ، ریزاو ، سنگ بن ، سنگ امام ، سنگ کلان ، سردروازه ، ( تپه‌ای در ۹ میلی جنوبی استراباد است ) سرما خورده ( جنگلی در دشت ساور ) ساور چشمه ، ساورعلیا ، شالی یار ، شور چشمه ، سرخ‌چاده ، سوترسر ، تخت میل ، تپه‌سرو ( در پایین معبر قزلق ) ترک چال ، ترک میدان ( ارتفاع ۶۸۰۰ پا در ۲۵ میلی چارده و ۱۱ میلی زیارت ) « ۱۱۷ » یورت ، چنار ، زله بان .

### دهات استراباد رستاق

آهنگر محله ، علی آباد ، الو کلا ، امیر آباد ، اترک چال ، باغ گلبن ، چهار-

چنار، چوپلانی، دودانگه، فیض آباد، فوجرد، اصفهان کلا، جعفر آباد، جلین یا جیرین، کریم آباد، خیرات (مرتع کوچکی است) کماسی، مریم آباد، مرزن کلا، معصوم آباد، میر محله، محمد آباد، مؤمن آباد، نصر آباد، نوده، نظام الدین، نوما، پل خرده، قرنا آباد، رستم کلای عباس بیگ (خالصه)، رستم کلای سادات، شمس آباد، سیاه تلو، سرخانکلا، سلطان آباد، (در مشرق آن سنگر احمد علی خان است که بمنظور دفاع در مقابل تهاجم تر کمن ها ساخته شده) توشن، ترنگ تپه، اوزینه، ولیک آباد، زیارت خواسته رود، که عموماً زیارت خاسه رود «۱۱۷» نامیده میشود و دهات مخروب و باغ جنگل کل تپه (سابقاً شهری بوده) خرسگلو، محمود آباد، نارنج باغ و روشن کلا، پیش آهنگ یاسرج کلا، قلعه سیاه بالا، ربیع کلاته، سمارو، تالی بو یا ولاش آباد، اوجاتوک، ظهیر آباد.

دهات فخر عماد الدین عبارتند از: دولت آباد یا کناره، حسین آباد ملک، جعفر آباد، میان آباد، قلی آباد، تقر تپه، تقی آباد و دهات مخروب، آهوسرا، انده آباد، چهل کیسو، کوزن، گل باغ یا قلعه حسن، حیدر محله و بربر، جهان آباد، کافر دین، خسرو آباد، ماران کلا، مسگر محله، نرسا، قزقلعه، شهرستان تپه، تلو کلا.

در وقف نامه ای کهنه بتاریخ (۹۸۹ هجری / ۱۸۵۱ مسیحی) که فعلاً در دست سادات شیرنگ که مقرر بود در آمد موقوفه را دریافت دارند هست، دهات ذیل در ناحیه فخر عماد الدوله مندرج است: آگره علامان، علا زمین، آلستان، اندع آباد، اند شیر آباد، انوش تنگه، بوانه، دز گاه دو قایران، گوایی محله، گرای محله، گلبن، گونی محله، حاجی یادر، کمال غریب، کمال خان، ماران کلاته، مسگران، نیرکان، پیچاک محله، قرا آغاج، قرا کل، قارلق، (علیا و سفلی) سنگ چشمه، سنگ دین، شیرنگ، ثور کلاته، طبرسا، طوا، زرگران. نام دهات ذیل که

میگفته‌اند در چهار فرسخی شرقی استرآباد است، نیز در سند مزبور مذکور است: امیرده، گرمابه سرا، کشته، مرزبان کلاته، محبت آباد، مشك قطب الدین که اکنون شوکت آباد خوانده می‌شود. نفتو، نجمین، روشنایی محله، رباطو، تلو کلاته.

قلعه‌ها و آبادیهای زیارت خواسته‌رود: عروس کلا، برنج یکی، فریمان (که از خرابه‌های دژی قدیمی است)، گرم‌دشت (۲۱۰۰ پا ارتفاع که نام قسمتی از جلگه جنوبی زیارت است) گله چاله کل بیلاق، خارو، کورمتو، لوتیا، مرسنگ، مازو کش، مراد چشمه، نو کلا، نومارو، اولنگ دره، قلیله، سرتخته، شهرت (که میگویند محل شهری قدیمی است)، سرخ چشمه، تخت عمر، طلا بخت، تلمیار، تالو، زرمش کوه، زیله.

خرابه‌هایی در جنگل زیارت در نقاط ذیل دیده میشوند: انجیلو خیل، اسپندیار محله، جیرو، ملاش، اولیگ دره، قلعه حسن، تخت د که، تخت خسرو.

### دهات کتول

علاصان، الازمین، علی آباد (سابقاً قدیر آباد بوده) آلوستان، برفتان، اقوام پلنک و دنکوه) بسی سر، چه جاه، چلی، گنو، غریب آباد، حاجی آباد، جنگلده، کردآباد، خار کلا، خولپندره، کمالان (با امامزاده دو قبران) ماران کلاته، مایان، مزرعه، محمدآباد، نوده، نیرگان، نرسو، نصرت آباد (سابقاً سنگ دوین)، پیچاک محله، قوش کوپری، ریگ چشمه، ساور کلاته، سیاه مرکو، تابر.

### دهات فندرسک

۱ - فندرسک: آقا محمدآباد (سابقاً لله باغ) چینو، دار کلا، دارایی، ملک سلیمان، کلوکن، خان بهین، مشو، معصوم آباد، مازوارام، نامتلو،

نقی آباد ، سعدآباد ، شفیع آباد ، شیرآباد ، زرین گل .

۲ - رامیان : گل چشمه ، ( سابقاً دره ویه ) اسپر نجان ، جوزچال ، کبود - چشمه ، خاندوز ، کوهیان ، لیرو ، میرمحلہ ، نرگس چال ، نوده اسمعیل خان «۱۱۸» ( نوده میر سعدالله خان ) ( نوده علی نقی خان ) یاقلعه ، پلرم ، رامیان ( در ناحیه‌ای که محصور بدو تپه مستور از جنگل است بنام کوه خوش ییلاق ) رزی ، سیدکلا ، سوخته سرا ، توران ، وطن .

کوه‌های رامیان عبارتند از : آسمیان که قلعه پوزان در آنجا است نیلاکوه در جنوب چکور . در میان این دو محلی است که تپه تخت رستم در آنجا است . این کوه گاهی ، ماران کوه و ایلان گرگان خوانده میشود . قلعه ماران ، در میان چمن‌زاری واقع است و راه باریکی که با آنجا منتهی میشود ، در مقابل مهاجمین به آسانی قابل دفاع است .

### دهات کوهسار

( الف ) چناشک : ایترجلو ، چلین ، چناشک ، ( در یک فرسخی تولین ) دره قدمگاه ، دوروک ، کرفنگک ، حسین آباد یاسینا ، کاشی‌دار ، نراب ، قشلاق ، رودبار یا چمن قشلاق ، سیب چال ، والمان یا وامنان ( ظهیرالدین ولابن را در شهر دوین ذکر نموده است ) .

( ب ) قانچی : بلان جرك ، دوجوز ، فارسیان ، قانچی ، تیلخوا ، ( شاید دل آباد بوده ) زردوا .

( ج ) کوهسار : علی آباد ، برین ، برنجان ، برنیچ بین ، چکرچال ، چمنی ، دهنه کلاسنکیان ، ده جولی ، دوخر ، دودرجن ، یا قلعه سیده ، دوزین ، فارسیان - فیرنگ ( نهری که از پارسیان به حوزه گرگان جاری است تارا نام دارد ) فیرنگ ، گلستان گل‌سرا ، اسفر نجان ، کنده خر ، خندوشر ، خرم آباد ، مهدی آباد ، قلعه -

کافه ، قلعه سرا ، قلی تپه ، سالا ، سایر ، سه هیر ، سهرو ، شیدان ، سرنگ ، تقی آباد ، ترسه ، عبه خلیل خان ، ورچشمه ، رزین کلانه .

( د ) شنگر کبود جامه یا سنگر حاجی لر ، آهنگر محله ، خورده ایموقلی پسرک ، سنگر ، سیوماک ، ( سمبه ) تلنگ سرا ، تیغه زمین ، زندان چال .

**نقاطی که شناخته نشده یا در جای دیگری جز مآخذ زیر**

**مذکور نگر دیده است**

ابخمه ، شهری بود در کوهستان طبرستان ( الف ) ، انارستان نزدیک هرزناک سر راه ساری . ( ب ) انوشه دادهان ( الف ) ، شاید همان و نوشه ده بوده است اران و شران ، دو شهر طبرستان ( ج ) ، اردل ( ب ) ، در ناحیه بابل کنار اردشیر آباد ( الف ) ، که در قرن هشتم هجری / ۱۴ مسیحی در آنجا قصری متعلق پیداشاهان مازندران قرار داشته است . ارز ، شهر کوچکی در کوهستان طبرستان در حدود دیلمان است . ابوسعید منصور میگوید که آن یکی از مستحکمترین و بزرگترین قلاع جهان بوده است . محصولاتی که در خود محل مورد احتیاج نبوده به اودیه صادر میگردد .

پس از عبور از شهر ازر به جبال وندا هر مزد و از آنجا به کوههای شروین میرسیم . اشیلادشت نزدیک آمل در دشت لیکانی . اواجان ( ب ) اودیز در جور قصر - نور ، بهرام کلاده ( ب ) ، بالاین ( الف ) ، شاید بین آمل و ساری باشد . بر از قلعه ای بوده است در حوزة و یا نزدیک نور . بشیر ( الف ) ، نزدیک آمل . بکنده دهکده ای بود در کنار رودخانه بابل . بیجوری یا مچوری . ( الف ) کوه بینار کوهی بود باشکوه و پراسشیب در استرآباد که در قسمت چپ معبر چلچیان سر راه شاهرود

( الف ) ابن اسفندیار ( ب ) ظهیرالدین ( ج ) یاقوت حموی ( د ) عبدالفتاح فومنی  
( ه ) علی بن شمس الدین لاهیجی .

به شاه کوه . بنداره کلا . ( ب ) در ناحیه شهریار کوه و یا نزدیک به آن . دولا  
 ( ب ) ، نزدیک ساحل از آمل چندان دور نیست . فیرویز دهکده‌ای در استرآباد  
 ( ج ) ، دشت کنجینه و اسپیدارستان ( الف ) ، گودی ناظر ، جلگه‌ای در یک  
 فرسخی شمال غربی رودبار سرراه فیروز کوه به فولاد محله . چهار میل و نیم جنوب  
 غربی فولاد محله . گردزمین . ( الف ) ، در چهار فرسخی ساری . غلامه راه شاید در  
 جنوب رستم‌دار باشد . گوشواره کوه در حد شاهرود یا دامغان ( ب ) ، هرنداب  
 کوهی بود در بلور ( د ) ، هرجان ، هر سه‌مال ( الف ) ، در سه فرسخی آمل هازمه‌زر  
 یا هازمه دز ( ب ) . مقایسه شود با خرمر نزدیک آمل که ابن‌اسفندیار ذکر نموده .  
 ایلپانی دره تنگی است در ناحیه استرآباد که راه استرآباد به شاهرود از آنجا در هفت  
 فرسخی شهر اخیر میگردد ( الف ) ، انجیر ( الف ) جالین ( جلیکان ) ، جهنم دره  
 در شمال چلاو که در اینجا از هر هز ( رودخانه هزار ) بوسیله پلی در سال ۸۰۶ هجری  
 رفت و آمد میکردند . جوزستان ( ب ) ، جند شهری است در طبرستان که قباد بن  
 فیروز بن بزد گرد ساسانی تأسیس نموده بود جور بست دهکده‌ای است در جبال طبرستان .  
 جاده‌هایی که بآنجا منتهی میشود باریک و صعب العبور است ( ج ) ، جورپشته ، کلم  
 که دژی است از زمان خسرو پرویز مانده است . این دژ در کوه‌های استرآباد واقع  
 است و یکی از استحکامات فرقه اسمعیلیه بوده . کندار ، کر کم ( الف ) ، کوادان ، و  
 کواردان ( ج ) ، دهات استرآباد : کشفل ازدهات آمل . کویج ، کیوان بزم ( ب ) ، که  
 سلطان محمد بن ملک امر به محاصره آن داد . خورسقلی از دهات استرآباد ( ج ) ،  
 کیلار ( الف ) کمنان ، کولدره ( ه ) ، در حوالی فیروز کوه کولایج ( ب ) ، کوتی  
 ابراهیم‌کارد گر ( ه ) ، در مشرق آمل . لندر بالند ، سرراه فریم به کلیایگان که بنام  
 بالنده کوه معروف است . لنکورخان . ( الف ) لرز شاید لزور باشد که یکی از دهات  
 ناحیه آمل است و بیشتر بنام قلعه لرز مشهور است و از آنجا تا آمل دو روز راه است



(الف) ، لترا ، لیچم . (الف) مدو . (الف) مهستیه یا قهسباه (تلفظ مشکوک) یا تپس (الف) ، دهات مأمونی (۳۰۰ قصبه در کوهستان و جلگه مازندران که وندا هر مزد مجبور به تسلیم آنها به مأمون فرزند هارون الرشید شده بود و بنام مأمونی شهرت یافت) . منکول (الف) ، مرزبان آباد (ب) ، قصبه ای در جلگه شاید از قلعه دارا چندان دور نبوده . مسکن یا مشکان دهکده ای شاید در ناحیه میانرود و یا نزدیک بآن در شمال غربی آمل . مزرک ، میل یا میله ، سه یا چهارمیل مربع مرتع در چهارمیل ونیمی شمالی فولاد محله میله (ب) ، سه فرسخی آمل . میروند آباد . (الف) ازدهات کلپایگان . میروزان نامی است بهنگام حمل جنازه میرقوام الدین از بازار فروش به آمل هر جا که آنرا بزمین می گذاشتند به آن محل اطلاق کردند که این نقاط زیارت میروزان نام یافته اند . محمد آباد . (ب) نزدیک چناشک . میسرین خیررود کنارولشه لزور (ب) ، بزم موسی (ب) ، قلعه ای نزدیک لوندرنفته کوتی تپه کوتاهی در جلگه در مغرب شبه جزیره میان کله . نامنه ، که شهری است در ۲۰ میلی ساری در ناحیه پنج هزار . نوسر (ب) ، نیشاور ، بگفته دمشقی مازندران نیشاور هم نامیده میشده و از طبرستان مجزا بوده است . نوروز آباد (نوذر آباد ؟) (الف) ، در کتب خواننده ایم که حسن بن زید در موقع پیشروی از آمل به تریچه و از آنجا به جامنو شنیده بود که سلیمان بن عبدالله فرماندار طاهری ساری سپهسالار خود اسدبن جندان را با سپاهیان از ساری به محلی موسوم به دودان که سر راه توجی واقع بود فرستاد . او راه خود را منحرف و از طریق زر می خواست به نوروز آباد نزدیک قصبه فوتم رفت که در آنجا همدست او مسمغان اردوزده بود . نصرت سنگ (بعد از مرگ سلطان تکش بسال ۵۹۶ هجری شاه اردشیر مازندران قلعه های بالمان و جهینه و تمام حدود از گران تاری و دژ فیروز کوه را تسخیر نمود و دژ نصرت سنگ را در بیرون همیشه ساخت) ، (ب) پلنگ (ه) ، شاید دژی است در تنکابن . پرستاق (ه) ، قلعه ای

است درسواد کوه یا هزار جریب . پاسگاه میرمرحوم ( ه ) ، بازوا مسکن چوپانان در مرزجنوبی مازندران که درشمال دشت خینک در حدود سه فرسخی مغرب فولاد محله واقع بوده پیرگردو کوه ، کوهی است در ناحیه استرآباد و در جنوب آن و در چند میلی شمال تاش . ازین قله منظره عالی از استرآباد و قلل حوالی آن میتوان دید . قطری کلاده : در زمان حجاج بن یوسف ستمگر ، خوارج که در سمنان زندانی اسپهبدفرخان بزرگ بودند به مازندران انتقال یافتند . آثارچادرهای ایشان تا عهد ابن اسفندیار در محلی بنام قطری کلاده مشهور بوده . قادی کلایه ازدهات استرآباد . رود بار پیچ . ( الف ) رویان . ( ب ) دژی بوده در بیرون تمیشه که بدست اسپهبد نجم الدوله قارن ۵۰۱-۵۰۸ هجری ( ۸-۱۱۰۷ تا ۱۱۱۴ م ) . تسخیر و خراب شد که همان قصرروهین است که ابن اسفندیار نام برده . صفوح . ( الف ) نزدیک آمل . سلش که ۸۶۰۰ پا ارتفاع دارد و عبارتست ازچند جریب مرتع بین فیروز کوه و چشم در مازندران . هر ساله گله داران سنگسری که هنگام سرمای زمستان در دهکده وسیعی بنام سنگسر نزدیک سمنان سکونت دارند با آنجا میروند سلش شاید همانست که ظهیرالدین بنام شلس کوه ذکر نموده و نوشته است که سابقاً سلسله کوه نام داشت . همچنین سلسلی کوه که سابقاً سلسله کوه معروف بوده شعبودشت ( الف ) شاد کوه ( ج ) ، که نام محلی است نزدیک گرگان . شلاب . ( ب ) در حدود سواد کوه که مراتع فراوانی دارد و کارمردم آنجا گله داری است . بیابان شلیب ( ب ) ، شمین ( ج ) ، ازدهات استرآباد . شررز ( ج ) ، کوهی است در دیلم ، که مرزبان ری در موقعیکه آن شهر بدست عتابن ورفا مسخر گردید ، به آنجا پناه برده بود شیرو . سیاه رودپی ( ه ) ، محل مستحکمی است در مازندران که هیچوقت تسخیر نشده کمیزدشت ( ه ) ، در جوار این قلعه بوده . سرخ کمر ( ب ) ، نزدیک کجور . سراب و سرنو یا سرنه دهات استرآباد ، تالانیان ( الف ) ، تمشکی دشت . ( الف ) تپر . ( ب ) تریچه یا تریچه

که اصلاً، توران چی نام داشته. زیر آنجا که کشتار ترکان بدست اسپهبد فرخان بزرگ بوده (الف)، توجی بین راه آمل به ساری. ابتدا از توجی و سپس از جامنو می گذشتند. دژ توجی باوجود استقامت بسیار شدید کیاوشاسب جلال و پسرش بدست سید کمال الدین تسخیر و با خاک یکسان شد. این قلعه مرمت شد ولی امیر تیمور در موقع حمله بمازندران آنرا ویران کرد. سید علی بن کمال باز به تعمیر آن پرداخت. اما هیچوقت آن کار بیایان نرسد. در عهد ظهیر الدین \* ۸۸ هجری بصورت توده خاکی وجود داشته است. اوفر (الف)، ولاجوی (الف)، نزدیک ساری. وله بن (ب)، قلعه وله بن دژی بود در شهر دوین که بدست مؤید بالله بنا شد و شاه اردشیر مازندران آنرا خراب کرد. و مادیا و باد (الف)، وارفو (الف)، وریان (ب)، وازه کوه (ب)، در رستمدر یا حوالی آن ولیکان (الف)، بین راه ساری به آمل. ویناباد (الف)، قصبه بزرگی نزدیک ساری. زنگی کلاته، (ب)، از دهات رستمدر زایگان (ه)، دژی است در مازندران. زینوان (الف)، دهکده ای در یک فرسخی ساری. برای اسامی محلاتی در مازندران و استراباد که در کتابهای لاتین و یونانی از آنها نام برده شده است، رجوع شود به سفرنامه درن Reise صفحات ۱۵۶-۱۶۱ و کتاب ستاهل A.F. Stahl «یادداشت هایی راجع به لشکر کشی اسکندر کبیر از همدان تا گرگان» و مجله جغرافیائی چاپ لندن جلد ۳۴ شماره ۴ اکتبر ۱۹۲۴.

## ضمیمهٔ دوم

### فرمانروایان مازندران و یادداشت‌های مؤلف

#### فرمانروایان مازندران<sup>۱</sup>

۱ - آل گشنسف - گشنسف همدورهٔ اردشیر بابکان «۱۱۹» بوده و بر طبرستان و گیلان و رویان و دماوند حکومت داشت. اجداد او از زمان اسکندر کبیر (۳۳۰ قبل از میلاد) فرمانروایان ولایات مزبور بودند و حکومت در خاندان او باقی ماند تا در حدود سال ۵۲۹ میلادی که کیوس فرزند قباد بحکومت مازندران فرستاده شد.

۲ - کیوس هفت سال حکومت کرد (۵۲۹-۵۳۶ مسیحی).

۳- آل زرمهر- فرمانروایی این خاندان ۱۱۰ سال طول کشید و از دورهٔ پادشاهی انوشیروان (۵۳۱-۵۸۷ میلادی) شروع شد. انوشیروان بعد از مرگ کیوس زرمهر را برای حکومت مازندران فرستاد و فرمانروایی این سلسله در حدود سال ۶۸۵ مسیحی پایان رسید و آن هنگامی بود که آذر و لاش حکومت را به گیل گاو باره واگذار کرد و این واقعه در سال سی و پنجم از تاریخ یزدگردی جدید بود که ایرانیان

---

۱ - برای اطلاع بیشتری دربارهٔ فرمانروایان مازندران رجوع شود به تاریخ ابن اسفندیار و برای اسامی فرمانروایان و حکام استراباد به یادداشت شماره ۱۲۰۶ در آخر این کتاب.

انتخاب کرده بودند و مبدأ آن وفات یزدگرد بود. فرمانروایان آل زرمهر عبارتند از: زرمهر (۲۳ سال) دازمهر بن زرمهر (۱۷ سال) ولاش بن دازمهر (۲۵ سال) مهر بن ولاش (۲۰ سال) آذرولاش بن محمد (۲۵ سال) ولاش که باو (باقر) را بقتل رسانیده و خود کشتی کرد هشت سال حکومت کرده بود، بهمین خاندان تعلق دارد. همچنین است مسمغان ولاش میاندورودی.

۴- سوخرائیان یا قارنوند - این خاندان در جبال طبرستان تقریباً ۲۷۴ سال حکومت داشتند و شروع آن از حدود ۵۰ سال قبل از هجرت بوده که حکومت شهریار کوه و کوه قارن به قارن بن سوخرا اعطا گردیده و با مرگ مازیار در سال ۲۲۴ هجری (۸۳۹ مسیحی) پایان رسید. افراد این خاندان دارای لقب «جرشاه» یا «ملك الجبال» و همچنین عنوان اسپهبد بودند «۱۲۱».

حکام آل قارنوند عبارتند از: قارن بن سوخرا (۳۷ سال) الندابن قارن (۵۲ سال) سوخر بن النداب (۶۵ سال) و ندا هر مزدبن النداب (یا ابن سوخرا) ۵۰ سال قاربن و ندا هر مزد (۴۰ سال) مازیار بن قارن ۳۰ سال. این نام فرمانروایانی است که ظهیرالدین به حکام قارن وند نسبت داده. ولی زیاد قابل اعتماد نیست زیرا چنانکه میدانیم و ندا هر مزد در عهد خلافت مأمون (۸۱۳-۸۳۳ مسیحی) وفات یافته و مدت حکومت پسر او قارن طولانی نبوده و مازیار در سال ۸۳۹ مسیحی بقتل رسید.

۵- آل دابویه (دابوان) که آل گاوبره (گاوباره) هم نامیده میشوند. معروف است که آل دابویه ۱۰۴ سال در طبرستان حکومت کردند ولی از سکه‌های آن دوره چنین استنباط میشود که حکومت آنها فقط ۶۷ سال طول کشیده با فرمانروایی دابویه پس از مرگ پدرش گاوبره در سنه ۵۰ هجری قمری<sup>۲</sup> شروع و با

۱- Colonel A. de la Fuye سرهنگ دولنوا با نهایت لطف تمام سکه‌های طبرستان متعلق بخود را جهت بررسی باین جانب داد که از اطلاعات بسیار سودمند آن بهره گرفته‌ام. ۲- مبدأ جدید تاریخ ساسانیان از ۶۵۰ مسیحی است. این تواریخ از سکه‌ها استخراج گردیده است.

مرگ خورشید در سال ۱۱۶ هجری (۷۷۶ مسیحی) تمام شد .

فرخان و اخلاف اولقب اسپهبد داشتند حکام این خاندان عبارتند از : دابویه (یا خورشید بن گیل از ۵۰ تا ۶۶ هجری ، فرخان بزرگ فرزند دابویه (۶۶ تا ۸۳ هجری) دازمهر بن فرخان بزرگ (۸۳-۸۸ هجری) سارویه بن فرخان بزرگ که مدت هشت سال در دوره کودکی برادرزاده خود خورشید ، نایب السلطنه بود خورشید بن دازمهر (۸۸ تا ۱۱۶ هجری) .

۶- آل باوند - این خاندان از سال ۴۵ هجری در مازندران فرمانروایی داشتند . درین زمان مردم طبرستان باو اقتدار و اختیار تام دادند و حتی مرگ و زندگی خود را باوسپردند حکومت آنها تا سال ۳۴۹-۷۵۰ طول کشید درین دوران بود که فخرالدوله حسن بدست چولابی ها کشته شد .

باوندها ابتدا به پادشاهان جبال معروف و دارای لقب اسپهبد بودند . سلطنت آنها در مازندران دیر زمانی شکوه و جلال بسیار داشت و با آن که قسمت جلگه را از دست داده بودند ، اقتدار ایشان همواره کم و بیش در قسمت کوهستانی برقرار بود . این خاندان را بسه شاخه تقسیم می توان کرد :

الف- گیوسیه ( از ۴۵ هجری تا ۳۹۷ ) سالی که قابوس اسپهبد شهریار فرزند دارا را بقتل رسانید .

فرمانروایان این دسته عبارتند از :

(۱) باو از ۴۵ هجری قمری تا ۶۰ (۱۵ سال) . (۲) سهراب بن باو از ۶۸ تا ۹۰ هجری قمری ۳۰ سال . (۳) مهر مردان بن سهراب ۴۰ سال . (۴) سرخاب بن مهر مردان ۲۰ سال . (۵) شروین بن سرخاب ۲۵ سال . (۶) شهریار بن قارن بن شروین ۲۸ سال .

۱- ابن اسفندیار میگوید : مهر مردان فقط مدتی کوتاه حکومت کرده نواده او شروین بن سرخاب چالشیپن وی شد .

(۶الف) شاپور بن شهریار که مدت پادشاهی اش کوتاه بود . (۷) جعفر بن شهریار که در سنه ۲۵۰ هجری وفات یافت ۱۲ سال . (۸) قار بن شهریار ۳۰ سال . (۹) رستم بن سرخاب بن قارن که در سنه ۲۸۲ هجری فوت شده ۲۹ سال . (۱۰) شروین رستم ۳۵ سال . (۱۱) شهریار بن شروین ۳۷ سال . (۱۲) رستم بن شروین سلطنت او فقط بوسیله سکه ای که در فریم در سال ۳۵۵ هجری ضرب شده و دارای عناوین خلیفه المطیع بالله رکن - الدوله آل بویه و اسپهبد رستم بن شروین است بر مامک شوف شده است . المرزبان بن رستم ، مرزبان نامه و نیکی نامه را بزبان طبری تألیف کرد . شیرین یکی از دختران رستم مادر مجد الدوله رستم آل بویه . (۱۳) دارا فرزند رستم ۸ سال . (۱۵) شهریار بن دارا وفات ۳۹۷ هجری ۳۵ سال ؛ وی دو پسر داشته رستم و سرخاب قارن که فرزند سرخاب بوده در سنه ۴۶۶ هجری قمری وفات یافت .

(ب) اسپهبدیه از ۴۶۶ تا ۶۰۶ هجری قمری یعنی تاریخی که شمس الملوك رستم بقتل رسید و سرزمین او را مغولها تسخیر کردند . حکام این دسته عبارتند از:

- ۱ - حسام الدوله شهریار بن قارن بن سرخاب بن شهریار (۳۷ سال) .
- ۲ - نجم الدوله قار بن شهریار (۸ سال) .
- ۳ - شمس الملوك رستم بن قارن ۴ سال پسر اوسیف الدین عماد الدوله فرامرز حامی عمادی شاعر بود .
- ۴ - علاء الدوله علی بن حسام الدوله شهریار ۲۱ سال . ۴ الف - بهرام بن حسام الدوله شهریار . ۴ ب - رستم بن حسام الدوله شهریار .
- ۵ - نصرت الدین شاه غازی رستم بن علی وفات ۵۵۸ هجری ۲۴ سال .
- ۶ - شرف الملوك (علاء الدوله) حسن بن رستم ۹ سال .
- ۷ - حسام الدوله اردشیر ۶۰۲ هجری ۳۴ (سال) .
- ۸ - نصیر الدوله شمس الملوك شاه غازی رستم بن اردشیر وفات ۶۰۵ هجری

این  
شهریار  
بن  
قارن  
۴

( ۴ سال ) .

ج - کینخواریه از ۶۳۵ تا ۷۵۰ هجری قمری که فخرالدوله حسن بقتل رسید فرمانروایان این دسته عبارتند از :

۱ - حسامالدوله بن اردشیر بن کینخوار بن شهریار بن کینخوار بن رستم بن دارا فرزند حسامالدوله شهریار وفات ۶۷۴ هجری ( ۱۲ سال ) ( ابن اسفندیار ۱۵ سال نوشته است ) .

۲ - شمس الملوك محمد بن اردشیر وفات ۶۶۳ هجری<sup>۱</sup> .

۳ - علاءالدوله علی بن اردشیر وفات ۶۶۳<sup>۲</sup> .

۴ - تاجالدوله یزدجرد بن شهریار بن اردشیر وفات ۸۰۱ هجری .

۵ - نصیرالدوله شهریار بن یزدجرد وفات ۷۱۴ .

۶ - شمس الملوك محمد بن شهریار وفات ۷۱۴ .

۷ - رکنالدوله شاه کیخسرو یزدجرد وفات ۷۲۸ هجری ( ۱۴ سال ) .

۸ - شرف الملوك رستم بن کیخسرو وفات ۷۳۴ قمری ( ۶ سال ) .

۹ - فخرالدوله حسن بن کیخسرو وفات ۷۵۰ هجری ( ۱۶ سال ) .

۷ - فرمانروایان مازندران

( الف ) حکام خلفا :

عمر ( از ۴۳۴ تا ۶۴۴ مسیحی ) ( ۱۳ هجری ) .

سوید بن مقرن ( ۱۸ یا ۲۲ هجری ) .

عثمان ( ۵۴۴ - ۶۵۶ ) ( ۲۳ هجری ) :

سعید بن العاص ( ۲۹ هجری ) ( ۶۴۹ - ۶۵۰ مسیحی ) .

۲ - ابن بکتفتة ابن اسفندیار است ولی

۱ - ۶۶۴ برابر با ۱۲۶۶/۷ بنا بر قول ظهیرالدین .

ظهیرالدین میگوید او ده سال حکومت کرده .



معاوية (٦٦١ تا ٦٨٠) (٤٠ هـ .).

مصقلة بن هبيرة شيباني - محمد بن الأشعث .

عبد الملك (٦٨٤ - ٧٠٥ مسيحي) (٦٥ هجري) .

مهلب بن ابي صفرا (٧٨ يا ٧٩ هجري) قطري بن فجاج المازني .

سليمان (٧١٤ - ٧١٧ م) (٩٦ - ٩٨ هجري) .

يزيد بن المهلب (٩٨ هجري / ٧ - ٧١٦ مسيحي)

منصور (٧٥٤ - ٧٧٥ مسيحي) :

ابوالخصيب مرزوق السعدي (١٤٠-١٤٢ هجري قمرى) - ابو خزيمه يا خاز بن

خزيمة التميمي (١٤٣ - ١٤٤) « ١٢٢ » - ابو العباس طوسي ، يك سال . روح بن

حاتم بن قيص بن المهلب - خالد بن برمك (١١٦ - ١١٩ هجري) \* حسن بن حسين ؟ -

عمر بن العلاء (٧ سال) (١٢٠ - ١٢٥ هـ) \* .

مهدي (٧٧٥ - ٧٨٥ مسيحي) سعيد بن دلج (١٢٥ - ١٢٨ هجري) .

عمر بن العلاء (١٢٧ - ١٢٩) \* : يحيى بن مختاق (١٢٩ - ١٣٠) .

عبد الحميد مضروب (٢ سال) . روح بن حاتم ، عمر بن العلاء ، تيم بن ستان ،

يزيد بن مرثد ، حسن بن قحطبه ؟

هارون (٧٨٦ - ٨٠٩ م .) (١٥٠ هـ) .

جرير بن يزيد (١٣٥ - ١٣٧ هجري) ، معاذ \* (١٣٦ هجري) ، سليمان بن

موسى ٨ ماه (١٣٢ - ١٣٧ هجري) هادي ، ابن هاني (١٣٧ - ١٣٨) مقاتل ١٣٩ هـ .

عبد الله بن قحطبه (١٣٩ - ١٤٠ هـ) ، ابراهيم (١٤١ هـ) ، عثمان بن نهيك ، سعيد بن

مسلم (يا سلم) بن قتيبة بن مسلم ، عبد الله بن عبدالعزيز بن حماد ده ماه (١٧٧ هـ)

مثنى بن الحجاج يك سال و ٤ ماه (١٧٧ - ١٧٩ هـ) ، عبد الملك بن قعقع يك سال

(١٧٩ - ١٨٠ هجري) ، فضل بن يحيى ، عبد الله بن حازم ، محمود و موسى بن يحيى بن

خالد بن برمک، یحیی بن یحیی؟ جهضم بن خباب، خلیفه بن هارون الجواهری،  
عبدالله بن سعید الجریسی ۴ ماه (۱۸۷ هـ / ۸۰۳ هـ) عبدالله بن مالک.

مأمون (۸۱۳ - ۸۳۳):

عبدالله بن خردادبه (۲۰۱ هجری)، محمد بن خالد، موسی بن حفص،  
محمد بن موسی بن حفص.

معتصم (۸۳۳ - ۸۴۲ م):

ابندار بن مونی (۲۲۴ هجری) ۸۳۹ مسیحی.

(ب) فرمانروایان آل طاهر

حسن بن حسین سه سال و ۴ ماه و ده روز وفات ذی الحجّه (۲۲۸ هجری /  
سپتامبر ۷۳۴ م.)

طاهر بن عبدالله بن طاهر یک سال و سه ماه.

محمد بن عبدالله بن طاهر ۷ سال که در صفر (۲۳۸ هجری) حکومتش  
پایان رسید.

محمد بن عبدالله بن طاهر ۷ سال که در صفر (۲۳۷ هجری) حکومتش  
پایان رسید.

سلیمان بن عبدالله بن طاهر سه سال که پایان آن در سنه (۳۴۰ هجری) بود.  
محمد بن موسی بن عبدالرحمن موسی بن عبدالحمید.

سلیمان بن عبدالله بن طاهر که در سنه (۲۵۲ هجری) در خراسان انزوا گزید.  
(ج) معتز (۸۶۵ - ۸۶۹ م)

مفلح که در جمادی الاخر (۲۵۵ هجری / ژوئن ۸۶۹ مسیحی) دوباره به حکومت  
رسید.

احمد بن محمد السکنی - شاری (حاکم گرگان)

(د) فرمانروایان صفاری

یعقوب بن لیث ۴ ماه (سنه ۲۶۰ هجری)

(ه) معتمد . (۸۷۰ - ۸۹۲ مسیحی) .

رافع بن هرثمه (۲۷۲ - ۲۸۲ هـ)

(و) فرمانروایان سامانی

محمد بن هارون ۱۸ ماه (۲۸۷ - ۲۸۸ هـ) .

اسمعیل بن احمد سامانی (۲۸۸ - ۲۸۹ هـ) .

ابوالعباس عبدالله بن محمد بن نوح بن اسد (۲۸۹ - ۲۹۸) .

سلام ترك ۹ ماه و ۲۲ روز (۲۹۷ هـ) .

ابوالعباس احمد بن نوح ، وفات صفر (۲۹۸ هـ / اکتبر ۹۱۰ م) .

محمد بن صعلوک که در جمادی الاخر ۳۰۱ از طبرستان گریخت .

محمد بن عبدالعزیز ۴۰ روز . الیاس بن الیسع در (۳۰۱ هـ) .

قراتکین ترك ، احمد طویل . ابوالعلی احمد بن محمد المظفر . حاکم کرکان

۸ ماه . در محرم (۳۲۸ هـ) سبکتگین .

(ز) فرمانروایان آل بویه

رکن الدوله حسن :

علی بن کامه در حدود سنه (۳۵۰ هـ) .

حسن بن فیروزان حاکم کرکان در سنه (۳۳۷ هـ) (۹۴۹ م) .

عضد الدوله فنا خسرو :

اسپهد شروین (۳۷۱ هـ) .

مؤید الدوله بویه حاکم کرکان و طبرستان ۷ سال که حکومت او در سال

(۹۸۳ مسیحی) پایان یافت .

**فخرالدوله** - صاحب یعنی اسمعیل بن عباد ( ۳۷۷ هـ ) ، حسامالدوله ابوالعباس تاش حاکم آمل که بعداً حاکم استرآباد ، گرگان ، دهستان و آبسگون شد وفات ( ۳۷۹ یا ۳۸۱ هـ ) ، استاد ابوعلی جرجانی حاکم گرگان - فائق و ابوعلی سیمجور حکام گرگان ، مجدالدوله رستم نصر بن حسن فیروزان حاکم گرگان ، رستم بن المرزبان حاکم شهر یار کوه .

(ح) فرمانروایان سلجوقی

ملك احمد بن سلطان محمد بن ملكشاه سلجوقی ، مرداویج بن بسو که در سنه ۴۳۳ هـ . بحکومت گرگان منصوب گردید .

(ط) فرمانروایان خوارزمشاهی

علی شاه بن سلطان تکش حاکم گرگان و دهستان ، فیروز حاکم بیرون همیشه نصیر الدین منکلی ( ۶۰۶ هـ جری ) ، امین الدوله دهستانی ( ۶۰۷ هـ جری ) .

(ی) فرمانروایان مغول

جورماغون ۶۱۷ هـ . ، جنتیمور ۶۳۰ - ۶۳۳ نوسال ۶۳۳ - ۶۳۷ ، گورگوز ( ۶۳۷ - ۶۴۳ ) ارغون ( ۶۴۳ هـ ) عمادالدین محمود - هلاکو ۶۵۴ - امیر مؤمنین .

(ک) فرمانروایان تیموری

اسکندر شیخی حاکم آمل ( ۷۹۵ - ۸۰۵ هـ ) ، جمشید بن غارن غوری حاکم ساری ( ۷۹۵ - ۸۰۵ هـ ) شمس الدین غوری جمشید حاکم ساری ( ۸۰۵ - ۸۰۹ هـ ) .

(ل) فرمانروایان صفوی

شرف الدین بدلیسی حاکم تنکابن ۷ سال ، ( ۹۷۴ - ۹۸۱ ) . سلطان حسین میرزا ابن سلطان محمد خدا بنده صفوی که در سال ۹۸۵ مازندران را ترك گفت . شرف خان حاکم تنکابن ( ۱۰۰۳ هـ ) ، فرهادخان ( ۱۰۰۵ ) . الوند سلطان ابن حسین خان فیروز جنگ حاکم تنکابن ۱۰۰۶ ، حیدر سلطان قوی حصارلو حاکم تنکابن ۱۰۰۴ که بار

دیگر در سال (۱۰۳۸ هجری) بحکومت رسید ، ابراهیم بیک حاکم رستم‌دار (۱۰۰۳ ه) میرزا محمد شفیع میرزای عالمیان وزیر مازندران که در سال ۱۰۱۸ مغضوب شد . میرزا ابوالقاسم خراسانی وزیر ۱۰۱۸ ، میرزا محمدتقی وزیر (۱۶۲۲م) (۱۰۲۱ تا ۱۰۳۱) ، میرهاشم وزیر (۱۶۷۵) ۱۰۸۵ ه میرزا علی اصغر از جانب شاه طهماسب دوم بحکومت رسید (۱۲۳) .

#### ۸- فرمانروایان علوی

حکام علوی ابتدا در سال (۲۵۰ هجری) خود را در مازندران مستقر نمودند . حسن بن زید آمل را تسخیر کرد و در حدود سال ۳۳۷ دوره فرمانروایی ایشان پایان یافت . در همان تاریخی که الثائر ابوالفضل جعفر که در آمل با استاندار نزاع کرده بود ، به گیلان رفت و در آنجا رحل اقامت افکند در همانجا وفات یافت و مدفون شد . اطلاع داریم که اعقاب ناصر الکبیر دیرزمانی در گیلان و دیلمان حکومت نمودند . ولی اطلاعات راجع بآنها بسیار کم است «۱۲۴» . حکام علوی بدو دسته حسنی و حسینی تقسیم میشوند .

حسنی‌ها عبارتند از : داعی الکبیر حسن بن زید ۲۰ سال (۲۵۰ - ۲۷۰ ه) ، ابوالحسین احمد بن محمد معروف به القائم ده ماه (۲۷۰-۲۷۱ ه) ، داعی الحق ابوعبدالله محمد بن زید ۱۶ سال (۲۷۱ - ۲۸۷) ، حسن بن المهدی بن محمد بن زید ، داعی الصغیر حسن بن قاسم ۱۲ سال (۳۰۴-۳۱۶ ه) .

حسینی‌ها عبارتند از : داعی ناصر الکبیر ابو محمد حسن بن علی بن حسن سه سال (۳۰۱-۳۰۴ ه) ، ابوالقاسم جعفر بن ناصر الکبیر (۳۰۶-۳۰۷) و (۳۱۱-۳۱۲ ه) ، ابوالحسین احمد بن ناصر الکبیر معروف به صاحب الجیش (۳۱۱ هجری) ابوعلی محمد بن احمد بن الحسن (۳۱۲ - ۳۱۳) ، ابوجعفر بن حسن بن احمد بن الحسن معروف به صاحب القلنسوه (۳۱۳ - ۳۱۷) اسمعیل بن ابوالقاسم جعفر بن ناصر -

الکبیر ۳۱۷؟ ابو جعفر محمد بن احمد الناصر که در حدود سالهای (۳۲۵ و ۳۲۸ هـ) در آمل حکومت داشت، الثائر ابو الفضل جعفر بن محمد بن حسین بن علی معروف به سید ایبض ۳۳۱؟، ابوطالب هارون الثائر بن محمد بن حسین بن علی. یک دسته دیگر از حسنی‌ها در دیلم استقرار یافتند که عبارتند از: ابوالحسین المؤید بالله عضدالدوله بن حسین بن هارون بن حسین (وفات ۴۲۱ هـ). الناطق بالحق ابوطالب یحیی بن حسین بن هارون بن حسین (وفات ۴۴۲ هـ). ابوالقاسم بن المؤید بالله رکابزن کیا از نوادگان المؤید بالله که از (۷۵۰ تا ۷۶۹) حاکم تنکابن بود. هزار فن نام ابوالقاسم زید بن ابوطالب محسن بن زید را ذکر می‌کند که بر قسمتی از دیلم حکومت داشته و لقب مسدد بالله اختیار کرده بود.

#### ۹ - اسفار بن شیرویه

لاریجانی و از قبیله ورداوند که در سال (۳۱۹ هـ) اورا سر بریدند.

#### ۱۰ - آل کاکی

خاندان کاکی حکام اشکور که در کیلان بودند ابتدا ایشان به داعی‌های مختلف جهت مطیع ساختن طبرستان کمک نمودند، ولی بعد خود آنها در صدد حکومت بر آن ایالت و ولایات همسایه برآمدند. حکام ایشان عبارتند از: کاکن بن نعمان (۲۲۰ هجری/ ۸۳۵ مسیحی). کاکی بن نعمان و فیروزان بن نعمان که در سنه ۲۸۹ بقتل رسیدند. لیلی بن نعمان که در ۳۰۸ کشته شد. ماکان بن کاکی که تمام طبرستان را زیر فرمان خود در آورده بود و در ۳۲۹ بقتل رسید. حسن بن فیروزان، نصر بن حسن بن فیروزان که در قلعه استوناوند زندانی بود و در همانجا در گذشت. فیروزان بن حسن بن فیروزان حاکم دیلم در (۳۷۱ هجری قمری). کنار بن فیروزان که یکی از سر دسته‌های دیلمان بود در (۳۸۸ هجری).

## ۱۱ - آل زیار

زیار نواده ارغش وهادان (فرهادون)<sup>۱</sup> بود ارغش وهادان در زمان کینخسرو حاکم گیلان بود. خانواده او همواره در گیلان میزیستند. هر چند گاهی نیز حکومت از دست ایشان خارج میشد. حکومت آل زیار بر گرگان و طبرستان از مرداویدج در سنه (۳۱۹ هجری) شروع و به شرف المعالی انوشیروان قابوس در ۴۷۱ ختم شد و یک سال قبل از این تاریخ در زمان پادشاهی گیلانشاه بن کیکاوس، حسن بن صباح با مطیع ساختن قسمت کوهستانی ضربت نهایی را بر قدرت و نفوذ آل زیار وارد آورد.

حکام این خاندان عبارتند از: ابوالحجاج مرداویدج بن زیار (۳۱۹ - ۳۲۳ هجری) ابوطالب وشمگیر بن زیار (۳۲۹-۳۵۶ یا ۳۵۷ ه). ظهیرالدوله ابومنصور بیستون بن وشمگیر (۳۵۷ - ۳۶۶ یا ۳۶۷). شمس المعالی ابوالحسن قابوس بن وشمگیر (۳۶۷ - ۳۸۱ و ۳۸۸ - ۴۰۳)<sup>۲</sup>. فلك المعالی ابومنصور منوچهر بن قابوس (۴۰۳ - ۴۲۱). دارابن قابوس (۴۰۳-۴۰۴)، شرف المعالی نوشیروان بن منوچهر بن قابوس (۴۲۱-۴۲۳) بنا بر اظهار بیپهقی وی بدست دایی خود با کالنجار در سنه ۴۲۳<sup>۳</sup> مسموم گردید. با کالنجار (۴۲۴ تا ۴۴۱)، عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن -

۱ - کری (Querry) آنرا Farhâdan نوشته است. رجوع کنید به قابوسنامه کری چاپ پاریس

۱۸۸۶ ص ۱۶.

۲ تاریخ وفات او را ۴۲۶ هم ذکر کرده اند. کری (Querry) میگوید شرف المعالی اسکندر بن قابوس

جانشین منوچهر بن قابوس بوده مدت حکومت او را ۱۶ سال مینویسد.

۳ - (Huart) هوارت مینویسد ابوکالنجار (با کالنجار) بن ویهان القوهی از ۴۲۴ تا ۴۳۳ ه. بر گرگان حکومت داشته در ۴۳۳ مرداویدج بن بسو از طرف طغرل بیک حاکم گرگان گردید و نوشیروان بن منوچهر در قصری که در همانجا بسال ۴۴۱ وفات یافت آنرا اختیار کرد. رجوع کنید به کتاب آل زیار Les Ziyâride از سری منتهجات یادداشت های آکادمی کتیبه ها و ادبیات - Lettres de l'Academie des Inscriptions et Belles-Lettres. Extrait des Mémoires de l'Academie des Inscriptions et Belles-Lettres. جلد هفدهم چاپ پاریس ۱۹۲۲.

یاقوت میگوید انوشیروان در ۴۳۵ مرد و پسرش جستان یا حسان جانشین او شد. پروفسور براون در

تاریخ ادبی ایران مینویسد مسعود غزنوی طبرستان و گرگان را از شاهزاده آل زیار دارا بن منوچهر در ۴۲۶ گرفت.

قابوس مؤلف قابوسنامه ( ۴۴۱ - ۴۶۲ ) ، کیلان‌شاه بن کیکوس ( ۴۶۲ - ۴۷۱ ) ، شرف‌المعالی انوشیروان بن قابوس ( ۴۷۱ هجری ) .

### ۱۲ - گیاهای چلاو

گیاهای چلاو رقیبان کیای جلال بودند . در نتیجه وقتی که فخرالدوله حسن با کیاجلال بن احمد جلال را بقتل رسانید ناچار با گیاهای چلاو همدست شد . ایشان نیز او را در سنه ۷۵۰ از بین بردند و بدین وسیله حکومت به کیای افراسیاب رسید و او ده سال حکومت کرد اسکندر شیخی بن افراسیاب حاکم آمل ( ۷۸۵ - ۸۰۵ ) . لهراسب بن حسین بن اسکندر که در ۸۸۰ بر طالقان حکومت داشت امیر حسین کیابن علی بن لهراسب که بر قسمتی از رستم‌دار حکومت نمود و در سال ۹۰۹ تسلیم شاه اسمعیل صفوی شد .

### ۱۳ - کیاجلال

گیاهای جلال از نجبای طبرستان بودند و مقامات مهمی در ساری داشتند . پس از فوت فخرالدوله حسن در سال ۷۵۰ کیای فخرالدین جلال و کیای ویشتاسب حکام ساری شدند . فخرالدین در ساری اقامت گزید و ویشتاسب در قلعه نوجی . کیای فخرالدین در جنگی که در نزدیکی بارفروش کنونی اتفاق افتاد بدست سادات مرعشی بقتل رسید و کیای ویشتاسب هنگام محاصره نوجی در سنه ( ۷۶۳ هجری قمری ) کشته شد .

### ۱۴ - سادات مرعشی

حکومت سادات مرعشی در مازندران باقیام قوام‌الدین علیه کیای افراسیاب بن چلاوی در سال ۷۶۰ شروع و با عزل میر مراد بن میرزاخان که بدست امرای صفوی در اواخر قرن دهم هجری ( ۱۶ مسیحی / ۱۱ هجری ) واقع شد ختم گردید حکام این خاندان عبارتند از :



قوام‌الدین بن عبدالله بن صادق که به میرزا بزرگ (۷۶۰-۷۶۳ هـ) معروف است .  
 کمال‌الدین بن قوام ۷۶۳-۷۹۵ که بدست تیمور در قلعه ماهانه سر نزدیک آمل  
 محصور و اسیر و به کاشمر فرستاده شد و در آنجا بسال ۸۰۱ وفات یافت . علی بن  
 کمال‌الدین ۸۰۶- ۸۱۲ و ۸۱۳- ۸۲۰ هـ . مرتضی بن کمال‌الدین ۸۳۷- ۸۵۶ مرتضی -  
 ابن علی بن کمال‌الدین ۸۲۱- ۸۳۸ محمد بن مرتضی ۸۳۷- ۸۵۶ عبدالکریم بن محمد  
 ۸۵۶- ۸۶۵ ، عبدالله بن عبدالکریم ۸۶۵- ۸۷۲ ، کمال‌الدین بن محمد که حکومت  
 را از عبدالله بن عبدالکریم گرفت ولی نتوانست خویشان را در ساری مستقر سازد .  
 زین‌العابدین کمال‌الدین محمد ۸۷۲- ۸۹۷ ، غیاث‌الدین بن محمد جلال‌الدین ،  
 عبدالوهاب بن غیاث‌الدین بن کمال‌الدین بن قوام‌الدین در ۸۷۳ از حسن بیگ فرمان  
 حکومت مازندران را بدست آورد، ولی معلوم نیست که او هرگز در ساری بنام حاکم  
 مازندران مستقر شده باشد. شمس‌الدین بن کمال‌الدین محمد ۸۹۷-۹۰۵ ، کمال‌الدین بن  
 شمس‌الدین در سنه ۹۰۴ جانشین پدر خود شد ولی بدست آقا رستم روزافزون که  
 تمام قلمرو حکومت اورانیز گرفت بقتل رسید . عبدالکریم بن عبدالله بن عبدالکریم  
 ۹۱۷-۸۳۲ ، میرشاهی بن عبدالکریم ۹۳۲-۹۳۹ ، که میر عبدالله خان بن میر سلطان -  
 محمود بن عبدالکریم معروف به خان کوچک ۹۳۹- ۹۶۸ که دختر او خیرالنساء  
 بیگم مادر سلطان محمد خدا بنده صفوی بود . میر سلطان مراد بن شاهی ۹۶۹-۹۷۲ ،  
 میر عبدالکریم بن عبدالله خان که جانشین پدر خود حاکم قسمتی از مازندران شد  
 ولی بوسیله زهر در شوال ۹۷۲ خود کشی کرد و آن قسمت از مازندران که ارتا باو  
 میرسید به میر عزیز خان بن میر عبدالله واگذار شد . اما شاه طهماسب اول از وی سلب  
 توجه نمود و بزندان افتاد . سلطان محمود بن سلطان مراد معروف به میرزاخان بجای  
 پدر خود حاکم قسمتی از مازندران شد و پس از فوت شاه طهماسب تمام مازندران زیر

فرمان وی در آمد . وقتی که دختر میر عبد الله خان ملکه ایران شد سلطان مراد را به قزوین فرا خواند . او از آمدن امتناع نمود و به قلعه فیروز شاه پناهنده شد . کشتن او در میان نیست . در نتیجه قبول کرد که به قزوین برود ولی مأموران ملکه با خیانت تمام او را بقتل رسانیدند . محمد بن سلطان مراد را ما فقط بوسیله نامه ای که به ملکه ایران از قلعه ای که با آنجا پناهنده شده بود نوشته ، می شناسیم .

درین نامه از ملکه استدعا میکند که او را بقصاص خون پدر ( که گفته اند با مر سلطان مراد کشته شد ) نابود نکند . زیرا در موقع وقوع آن پیش آمد او کودکی بیش نبوده . میر علی خان بن سلطان محمود بن عبدالکریم عموی ملکه بعد از مرگ میرزا خان بن علی خان از طرف ملکه بحکومت مازندران منصوب گردید . پس از وفاتش در جوانی دوره ای پرهرج و مرج در مازندران پیدا شد . میر مراد بن سلطان محمود ( میرزاخان ) در سال ۶۹۰ هجری قمری ۱۵۸۲ مسیحی حاکم مازندران بود .

#### ۱۵- آل روز افزون

آقا رستم حاکم مستقل سواد کوه ۸۹۷ - ۹۱۷ ه . ، آقا محمد بن رستم ۹۱۷-۹۲۳ ه .

#### ۱۶- دیو

میرک دیو و کیل سلطان حسین میرزا صفوی حاکم مازندران در زمان شاه طهماسب اول بود که با مرشاهزاده مزبور بقتل رسید ولی خود او نیز بواسطه اغتشاشاتی که پدید آمده بود ناگزیر شد مازندران را بی درنگ بعد از مرگ پادشاه ترک گوید . شمس الدین دیو که بواسطه مجاهدتهای او پس از مرگ شاه طهماسب تمام مازندران زیر فرمان میرزاخان درآمد . الوند دیو حاکم سواد کوه و قسمتی از مازندران که به

شاه عباس اول تسلیم گشت ۱۰۰۷ هـ.

### ۱۷- سادات مرتضوی هزار جریب

عماد در حدود سنه ۷۶۰ هجری حاکم مستقل هزار جریب شد. عزالدین در ۸۰۹ هـ حاکم هزار جریب بود. میر غضنفر ۸۹۲ حسن ۹۲۳ هـ.

شرح ذیل در باب سادات هزار جریب، در «کتاب التدریس فی احوال جبال شروین» اعتماد السلطنه مندرج است: مؤسس خانواده سید عماد بود که از جانب امیر تیمور بحکومت هزار جریب منصوب شد. اعقابش بدو دسته تقسیم شدند رضی-الدینی و جبرئیلی. آخرین حاکم دسته رضی الدینی سید حسین بود که در سنه ۹۲۹ هجری بامر شاه اسمعیل صفوی مقتول شد. از دسته جبرئیلی سید روح الله در سال ۹۲۷ وفات کرد و پسر او سید عبدالله، در ۹۳۴ وفات یافت. بین سنه ۹۳۴ و ۹۷۳ هجری این افراد از خانواده جبرئیلی بر هزار جریب حکومت نمودند: هارون و معین الدین و هاشم و حسن.

بعد از وفات میر علی خان بن سلطان محمود مرعشی سید مظفر الدین حسین مرتضوی مازندران را با الوند دیو تقسیم کرد و او در سال ۱۰۹۵ هجری در گذشت.

### ۱۸- آل پادوسبان

افراد این خاندان بر رستم دار و رویان و نور و کجور، سرزمینی که میان کیلان و آمل واقع است از تقریباً سال ۴۵ هجری تا سنه ۱۰۰۵ یعنی وقتی که شاه عباس عده زیادی از شاهزادگان این خانواده را برانداخت، حکومت داشتند. بعد از مرگ ملک کیومرث در ۸۵۷ رستم دار بین دو پسر او کاوس و اسکندر که همان مؤسسين سلسله های بنی کاوس یا حکام نور و بنی اسکندر یا حکام کجور می باشند تقسیم شد.

حکام آل پادوسبان نخست لقب اسپهبد و بعد استندار که می گویند بمعنی

(حاکم کوهستانات) بود داشتند. بالاخره همه آنها لقب ملک را در اول اسم خود قرار دادند.

حکام آنها عبارت بودند از:

- ۱- پادوسبان بن گیل ۳۰ سال ۲- خورزاد بن پادوسبان ۳۰ سال ۳- پادوسبان بن خورزاد ۴۰ سال ۴- شهریار بن پادوسبان ۳۰ سال ۵- وندا امید بن شهریار ۳۲ سال ۶- عبدالله بن وندا امید ۳۴ سال ۷- افریدون بن قارن بن سرخاب بن نامور بن شهریار ۲۲ سال ۸- پادوسبان بن افریدون ۱۸ سال ۹- شهریار بن پادوسبان ۱۵ سال ۱۰- هاروسندان بن شیرزاد بن افریدون ۱۲ سال ۱۱- شهریار بن جمشید بن دیوبند بن شیرزاد بن افریدون ۱۲ سال ۱۲- شمس الملوك محمد بن شهریار ۱۲ سال ۱۳- ابوالفضل بن محمد «۱۲۵» ۱۴ سال ۱۴- حسام الدوله زرین کمر بن فرامر زین شهریار ۳۵ سال ۱۵- سیف الدوله باحرب بن زرین کمر ۲۷ سال ۱۶- حسام الدوله اردشیر بن باحرب ۲۵ سال ۱۷- فخر الدوله نماور بن نصیر الدوله شهریار بن باحرب ۳۲ سال ۱۸- عزالدوله هزار اسف بن نماور ۴۰ سال ۱۹- شهرنوش بن هزار اسف ۱۹ سال ۲۰- کیکاوس بن هزار اسف وفات ۵۶۰ هجری ۳۷ سال ۲۱- هزار اسف بن شهرنوش ۲۶ سال ۲۲- حسام الدوله زرین کمر بن جستان بن کیکاوس وفات ۶۱۰ ه. ۲۴ سال ۲۳- شرف الدوله بیستون بن زرین کمر وفات ۶۲۰ ه. ۱۰ سال ۲۴- فخر الدوله نماور بن بیستون وفات ۶۴۰ ه. ۲۰ سال ۲۵- حسام الدوله اردشیر نماور وفات ۶۴۳ ه. ۳ سال ۲۶- فخر الدوله شاه را کیم بن نماور وفات ۶۷۱ ه. ۳۱ سال بانضمام دوران حکومت برادرش که اردشیر خوانده میشد ۲۷- فخر الدوله شاه غازی نماور بن شهر اکیم وفات در ۷۰۱ ه. ۳ سال ۲۸- شاه کیخسرو بن شهر اکیم وفات ۷۱۱ ه. ۱۱ سال ۲۹- شمس الملوك محمد بن کیخسرو وفات ۷۱۷ ه. ۵ سال ۳۰- نصیر الدوله شهریار بن کیخسرو که در سنه ۷۲۵ بقتل رسیده ۷ سال ۳۱- تاج الدوله زینار بن

کیخسرو وفات ۷۳۴ هـ . ۱۰ سال ، ۳۲ - جلال الدوله اسکندر بن زیار وفات ۷۶۱ هـ .  
 ۲۷ سال ، ۳۳ - فخر الدوله شاه غازی بن زیار وفات ۷۷۰ هـ . ۲۰ سال ، ۳۴ - عز الدوله  
 قباد بن شاه غازی ۲ سال ، ۳۵ - سعد الدوله طوس بن زیار در سال ۷۹۴ بر رستم‌دار  
 حکومت داشته ، ۳۶ - جلال الدوله کیومرث بن بیستون بن اسکندر وفات ۸۵۷ هـ .  
 ۵۰ سال .

## بنی کاوس

۱ - کاوس بن جلال الدوله کیومرث ۸۵۷ - ۸۷۱ هـ . ۲ - جهانگیر بن کاوس  
 ۸۷۱ - ۹۰۴ ، ۳ - کاوس بن جهانگیر جانشین پدر که در سال ۹۰۴ بدست برادر خود  
 بیستون بقتل رسید ، ۴ - بیستون بن جهانگیر ۹۰۴ - ۹۱۳ ، ۵ - بهمن بن بیستون  
 ۹۱۳ - ۹۵۷ ، ۶ - کیومرث بن بهمن که جانشین پدر شد ، ۷ - عزیز بن کیومرث ۸ -  
 جهانگیر بن عزیز .

## بنی اسکندر

۱ - جلال الدین اسکندر بن جلال الدوله کیومرث ۸۵۷ - ۸۸۱ هجری ۲ - تاج الدوله  
 ابن اسکندر ۸۸۱ - ۸۹۸ هجری ۳ - اشرف بن تاج الدوله ۸۹۷ - ۹۱۳ وفات در سنه ۹۲۱  
 ۴ - کاوس بن اشرف ۹۱۳ - ۹۵۰ ، ۵ - بیستون بن اشرف ۹۵۰ - ۹۶۰ ، ۶ - کیومرث بن کاوس  
 ۹۵۰ - ۹۶۳ ، ۷ - جهانگیر بن کیومرث ۹۶۳ - ۹۷۵ ، ۸ - سلطان محمد بن جهانگیر  
 ۹۷۵ - ۹۸۴ ، ۹ - جهانگیر بن سلطان محمد ۹۸۴ - ۱۰۰۶ هجری قمری .

## ۱۹ - امرای جزء

راجع به امرای جزء مازندران فقط اطلاعات ناچیزی در دست داریم . بعضی  
 از ایشان متعلق به شعبات خاندان‌های باوند ، قارن‌وند و استندار بودند و بعضی دیگر  
 که ابن اسفندیار ذکر نموده بدین قرارند : نهایت صول و نهایت ساری ، سرخانوند ،  
 لاریجان ، و لاشان ، سعیدوها ، اولان مهران ، مرزبان ، دابوان ، کلیج ، امیرکا ،

کبودجامه . همچنین امرای ذیل را از خاندان استندار ظهیرالدین اسم برده است:  
اسپهبدان کلار ، نمی‌وند ، شیره زیل‌وند ، خورداوند و کرجی .

## (الف) بزرگان همیشه

فرشواد در حدود سنه ۲۱۸ هجری هر مزد کامه (بن یزدان کرد ۴) در حدود  
۲۹۷ هجری .

## (ب) امرای ۳

امیر کابن ورد اسف ۳۱۲ هجری ، ابن امیر کامه همدوره قابوس بن وشمگیر .

## (ج) امیر میانرود

مسمغان و لاش از آل زرمهر مرزبان ناحیه طیزنه رود «۱۲۶» که نام کنونی  
آن پامیانرود است . دختر او همسر اسپهبد فرخان باشد .

## (د) بزرگان لاریجان

فضل بن مرزبان ۲۵۲ هجری . سهل بن المرزبان در لاریجان مستقر بود . در  
سرزمین خود که پیش از وی چه در زمستان و چه تابستان قابل عبور نبود جاده  
ساخت . ابواسحق بن المرزبان بیشتر راهها و پل‌های طبرستان و رویان را بهزینه  
خود ساخت . محمد بن فضل ، عبدالله بن حسین بن سهل معروف به تاجی‌دویر ، اسپهبد  
پرویز نواده اسپهبد رستم بن شروین قارن در سنه ۲۸۷ امیر لاریجان بود . ابوالحسن  
مرزبان لاریجانی در سنه ۵۱۲ هجری فرزندی داشت موسوم به شیرزاد امیر باحزب  
گرمابه رود ۵۱۲ ، منوچهر مرزبان لار ، نیان همدوره اسپهبد شاه غازی رستم ، با  
حرب بن منوچهر که پسری یکساله از او مانده بود موسوم به کینخوار و اسپهبد  
علاءالدوله حسن ۵۵۸ - ۵۶۷ که دایی کینخوار بود لاریجان را تصاحب کرد ،  
ابوجعفر آسرب .

## (ه) اسپهبدان مامطیر

خورشید بن ابوالقاسم ۵۱۲ - ۵۴۰؟ وی سه برادر داشت قارن تابریابی و سهراب و شیرزاد، تاج‌الدین شهریار بن خورشید ۵۶۸ هجری قمری.

## (و) اسپهبد لندک

فیروز بن اللیث ۵۱۲ هجری قمری.

## (ز) امرای لقور

پادوسیان بن گردزاد ۲۵۰ هجری، اسپهبد امیر مهدی قارن وند سنه ۵۰۰، امیر (ابو) اسحق ۶۱۲، علی نماور بن اسپهبد زیار ۵۱۲.

## (ح) امرای کبودجامه

رستم با اسپهبد علاءالدوله علی (۵۱۲ - ۵۳۳) همدوره بود. فخرالدوله گرشاسب، نصرت‌الدین محمد از طرف علاءالدین محمد خوارزمشاه در حدود سنه (۶۰۰ هجری) بقتل رسید. فخرالدوله مسعود بن محمد شاعر نسبتاً خوبی بود. رکن‌الدین برادرزاده نصرت‌الدین محمد، وی بمغولها برضد خوارزمشاه پیوست تا انتقام مرگ عموی خود را بگیرد. نصرت‌الدین از طرف قآن در سنه ۶۳۰ به حکومت ناحیه‌ای از کبودجامه تا بیرون تمیشه و استرآباد رسید.

## (ط) امرای گلپایگان یا گوشواره

اسپهبد پادشاه مبارزالدین ارجاسف بن فخرالدوله، گرشاسب در موقع سلطنت حسام‌الدوله اردشیر (۵۶۸ هجری) مبارزالدین منصبی در آمل یافته و دیگری بجای او حاکم گوشواره که شرف‌الملوک حسن او را از طرف نواده خود خورشید بن کیاکوس بآن مقام منصوب نموده بود معین گردید. این امر خصومت سختی بین دو نواده تولید کرد. قارن بن گرشاسب در سال ۵۲۱ از دژ اروهین در برابر حمله بادغاش که یکی از

سرداران سلطان سنجر بود دفاع نمود. عزالدین گرشاسف سپهسالار گوشواره و یکی از نجای بزرگ طبرستان ۵۶۰، پاشا علی یکی از نواده های فخرالدوله گرشاسف، او در سال ۵۶۸ بحکومت رویان و دیلمان منصوب شده و بدست سکنه بقتل رسید. کیکاوس بن فخرالدوله گرشاسف برادر مبارزالدین ارجاسف سلطان تکش خوارزمشاه کرگان را باو داد. هژبرالدین خورشید بن کیکاوس که بجای نواده خود مبارزالدین ارجاسف حاکم گوشواره شد. فخرالدوله که بامر حسام الدوله اردشیر (۵۶۸-۶۰۲) او را در رودخانه بابل غرق کردند. سراج الدین زردستان فخرالدوله گرشاسف که سلطان تکش خوارزمشاه چناشک را باو داد. بامر حسام الدوله اردشیر، نصرت الدین کبودجامه او را به مجلس بزمی دعوت کرد و کشت. سپس پادشاه مازندران گوشواره را به امیر سابق الدوله رستم داد. تاج الدین تورانشاه بن زردستان حاکم چناشک، ابن تاج الدین تورانشاه در قصر ایلال اسیر و باز داشت شد و از طرف شاه غازی رستم مقتول گشت - اسپهبد رستم بور کلا بعد از امیر سابق الدوله رستم حاکم گوشواره شد.

(د) امرای جزء باوند و بعضی امرای دیگر

اسپهبد ابو جعفر محمد بن وندابن باوند که مقبره او برج رادکان است و ساختمانش در سال ۴۰۷ هـ. شروع و بسال ۴۱۱ تمام شد. ابو جعفر باوند که بدست اسمعیلیه دوحد و سنه ۵۰۰ هجری کشته شد. اسپهبد مجدالدین دارا پادشاه دیلمان ۵۸۸ هـ، اسپهبد کیخسرو آمل ۵۰۰ هـ، امیر باکالنجار بن جعفر کولایا کولایا کولایا در حدود سال ۶۰۸ امیر حسن بهاء الدوله حاکم آمل در حدود او آخر سلطنت شاه غازی رستم ۵۷۸ هجری ۱۱۶۳ مسیحی.

حکام تنکابن

سید علی کیلاهیجانی تنکابن را از سید رکابزن کیا گرفت و آن حدود را به



برادر خود سید هادی کیا بن امیر کیا ملاطی داد . سید هادی بعد از بدست گرفتن زمام حکومت محل بیه پیش ، تنکابن را به پسر خود سید یحیی کیا بخشید . جانشین سید یحیی برادرش سید داود کیا بن هادی و جانشین او کار کیا محمد کیا ابن یحیی گردید . سال ۸۳۳ . در ۸۶۸ کار کیا محمود کیا حکومت را به پسر خود کار کیا یحیی واگذار نمود . او در سال ۸۸۷ معزول و برادرش کار کیا میر سید جانشین وی شد . سلطان هاشم برادر میرزا علی بیه پیش بجای کار کیا میر سید در ۹۱۰ ه . جاکم تنکابن شد . وی علیه برادر خود سلطان حسن که حکومت بیه پیش را غصب کرده بود شورید ، ولی شکست یافت و میر حسین بن کار کیا یحیی کیا جانشین او شد . در سال ۹۱۲ سلطان هاشم کوشید که بر تنکابن دست یابد ولی اسیر و از طرف سدید وزیر سلطان احمد خان بیه پیش مقتول گردید . سید مذکور میر حسین راهم بزندان انداخت و فرماندهی لشکر تنکابن را به ابراهیم کیا بن حاجی محمد اشکوری سپهسالار کر جیان و فرماندهی لشکر کر جیان را به برادر خود بونصر داد . سلطان حمزه بن سلطان هاشم در تنکابن میزیست او بدست مردم بیه پیش در ۹۸۴ کشته شد . پسر او کار کیا علی در ضمن شورش که بسال ۱۰۰۲ هجری اتفاق افتاد کشته شد .

### حکام کر جیان «۱۲۸» و گلیجان

در سال ۸۲۰ هجری که سید رضی کیا والی بیه پیش گلیجان و کر جیان را گرفت آن نواحی را به سید امیر کیا بن هادی بن علی کیا ملاطی داد . جانشین سید امیر مزبور شاه یحیی بن سید نصر کیا والی بیه پیش شد که در ۸۴۵ از فرمانداری محروم و کار کیا محمد کیا تنکابنی جانشین او گردید . دوازده سال بعد از این تاریخ بنام شاه یحیی برمیخوریم که حکومت کر جیان و گلیجان را داشته . وی در ۸۸۴ وفات یافت و کار کیا برادر میرزا علی والی بیه پیش بجای او منصوب شد . سلطان حسین مزبور در همان سال در گذشت و کیا علی اشکوری جانشین او گشت . همان هنگامی که

میر ظهیرالدین تاریخ نویس به فرماندهی لشکر کرجیان و کلیجان رسید و این منصب را از ۸۸۷ تا ۸۹۰ دارا بود، در ۹۰۷ هـ. میرزا علی کرجیان و کلنجان را به برادر خود سلطان حسن داد. موقعی که بسال ۹۱۰ سلطان حسن حکومت بیه پیش را غصب کرد سلطان هاشم از شاه اسمعیل اول فرمائی گرفت که کرجیان هم باوداده شود. اما او بدست سلطان حسن شکست خورد و به مازندران پناه برد.

## یادداشت‌ها و حواشی رابینو

« ۱ » فرشوادگر باید با کلمهٔ پرخواتراس<sup>۱</sup> که استرابن ذکر نموده است یکی باشد. استرابن در جغرافیای خود ( کتاب یازدهم فصل هشتم ) بعد از وصف سلسله جبالی که یونانی‌ها توروس می‌نامیدند ( کوه‌های آغری طاغ ) مینویسد : « نواحی شمالی این رشته جبال را اقوام کله<sup>۲</sup> و کدوسی<sup>۳</sup> (قادوش) و امردی<sup>۴</sup> که سابقاً ذکر شد و همچنین بعضی از قبایل گرگانی متصرفاند . از آنجا بیعد رو بمشرق و جیحون ( اکوس )<sup>۵</sup> که برویم بقوم پرتو (پهلوی‌ها) برمیخوریم و سپس قوم مرغیانی<sup>۶</sup> سپس ناحیهٔ بیابانی است که رودخانهٔ سرنیوس آنرا از گرگان جدا میسازد . این رشته کوه که از خاک ارمنستان تا این حدود تا نزدیکی آن امتداد دارد موسوم است به پرخواتراس » .

« ۲ » بگفتهٔ یاقوت حموی طبرستان از همیشه یعنی شش فرسخی مشرق ساری تا دیلم امتداد داشته و نهرهای نائل در پانزده فرسخی آمل و چالوس و کلارویی و سعیدآباد و رویان در دیلم بوده .

« ۳ » استعمال محدود و معین نام‌نדרان را ظهیرالدین نیک معلوم داشته در آنجا که میگوید شاه غازی رستم ( قرن ۶ هجری ) از کیل و دیلمان و رویان و

۱- Parachoathras - ۲ Gelae - ۳ Cadusii - ۴ Amardi - ۵ Ochus - ۶ Margian